

عید قربان اوج رهائی
انسان و گت ابراهیمی
از همه بندهای اساعلی
درجه بی، در سرزمین
عشق و بازگشت به خلق
و بنای خانه حریم امن
آزادی، برابری، برنان
و جشن مردسالاری جهانی
ورمی خدایان سایه و آیه
و سرمایه!
پس جاری خدای حاج!

سال دوم شهریورماه ۱۳۶۴ - تک شماره معادل یک دلار

سرمقاله

راه شریعتی
در میانه نبرد

□ به روشنی محسوس است که امروزه، پس از شش سال حرکت سیاسی - عقیدتی بر علیه ارتجاع حاکم، پیروان خط شریعتی، مزوهای هویت و جایگاه راستین خویش را در جنبش و در صحنه عمل اجتماعی باز می یابند. تبدیل این جنبش فکری - که در آغاز بیشتر یک نهضت روشنفکری و صرفاً اعتقادی جلوه میکرد و در نتیجه متلون مینمود - به حرکتی متشکل و هماهنگ، استحکام و قوام یافتن میانی و اصول اعتقادی - استراتژیک ویژه این خط در میان کلیه پیروان راه معلم، پذیرش مشی "آگاهیبخشی" به عنوان محوریترین شکل مبارزه در شرایط کنونی - بر علیه ارتجاع و درمیان توده - و... همه نمونها و علائم عینی وزنده این ظهور منسجم و یکپارچه است که می رود تا چهارم جدیدی از مبارزه سیاسی ایدئولوژیک را بر علیه رژیم استعماری حاکم در دل جنبش بنشاند - ند و معرفی کند.

بی شک این هم آهنگی خطی و بازیابی و وجدان کردن هویت خویش، آسان بدست نیامده است. ضعفهای عمده حرکت پیروان راه معلم تا قبل از ۳۰ خرداد (عدم تشکیل و سازماندهی مستحکم - داشتن انطباق عینی - تشکیلاتی با شرایط، نبود تحلیل دقیق از تحولات و دگرگونیهای مراحل سیاسی جنبش) دو عارضه بلافصل را پس از چرخش فاز مبارزاتی برای این حرکت به بار آورد: ۱- ضربه خوردن تشکلات محسوری فعال و در اولین تهاجمات رژیم استعماری حاکم. ۲- ایجاد تشتت خطی.

این دو مانع، موجب آن شد بقیه در صفحه ۲

سلسله مباحث استراتژی - ۲
« سنت »

□ در مقدمه پیشین بر " سلسله مباحث استراتژی " به شکل موجز و مختصر، شمائی کلی از مسائل مطرح در این باب ارائه شد (۱). در این شماره، میگوئیم با تبیین مقولات این دو مفهوم به شیوه سنجشی - تطبیقی، و بمنظور درس آموزی علمی از تجارب انقلابات معاصر (در پرتو جهان بینی قرآنی و سیره نبوی و علم و زمان ۴۰ پایه اجتهاد) - از خلال مقایسه درنگرش اسلامی و مارکسیستی به مسئله، به اصلاح و نقد و ارتقاء برداشتهای سنتی و کلاسیک - به پردازیم.

بقیه در صفحه ۴

پرسش و پاسخ

قرون وسطی ارتجاع و
رنسانس انقلاب

□ در کجای تاریخیم؟ سوال کوتاه ایست و به میزانی که پاسخ بدان ضروری مینماید و فوری، در خورتا مل و درنگ نیز هست. با طرح این سوال بود که ما نخستین مباحث تفوریک سیاسی خویش را گشودیم و بررسی ویژگیهای عصر و جامعه خویش را آغاز کردیم طبیعتاً در خلال این مباحث مسائل وابهاماتی نیز طرح شد که چون به جا و ضروری اش تشخیص دادیم، میگوئیم تا در این خطوط پاسخگوی شما باشیم. تفکیک زمان تقویمی (قرن بیستم) و زمان تاریخی " (قرون وسطی) از جانب ما و طرح این نظر که با اعتقاد ما جامعه از نظر تاریخی بقیه در صفحه ۱۰

ستون ویژه پیروان راه معلم

فعال کردن سیاست خارجی و تجدید دامنه عملیات نظامی گامهای یوشالی جدید رژیم برای خروج از بن بست جنگی. به نقل از خروش موحد شورای متحد پویندگان راه شریعتی: سرفصلی برای ایجاد حزبی تمام بر اساس تشیع سرخ علیوی " مقاله ای از علی فیاض گزارشی از محیط کار زحمتکشان و کارگران " مقاله ای از الف - خ " در صفحه ۱۲



* اعترافات منتظری در باب وجود اختناق و سانسور در مطبوعات بقیه در صفحه ۹

به مناسبت ۱۹ شهریور سالگرد درگذشت بدر معنوی، طالقانی گرامی باد یاد طالقانی عالم انقلابی نوددهما بقیه در صفحه ۲

بقیه سرمقاله

که نیروهای پیرو راه رنسانس در مقطع کوتاهی، از داشتن نقشی فعال و تعیین کننده دور بیفتند و عملاً نقش حاشیه‌ای به آنان بخشد و امر شکل و سازماندهی پایسه های اجتماعی این خط و در نتیجه تعیین می ویژه خود را در جنبش با تاخیر روبرو سازد.

اما طبق این اصل که تا هنگامیکه یک اندیشه از دینامیزم اجتماعی و کارکرد اعتقادی در صحنه عمل مبارزاتی و در عرصه پیکار ایدئولوژیک برخوردار باشد و زنده و پویا، همواره امکان اجبای عملی و ظهور متشکل و هماهنگش را در اجتماع میتوان تضمین کرد، این ضربات مقطعی، نقطه پایانی محسوب نمیشد، بلکه خود ابزارها و توشه های تجربی ای برای یک حرکت در حال شکل گیری بود که در طول حیات خویش، از شکستها سکویی برای پیروزی میسازد تا قویتر، متشکلاتر و پراستحکام به جلو برود.

این بود که پس از مدت کوتاهی، بسیاری از نیروهای پیرو راه معلم - چه در ابعاد تشکیلاتی و چه به شکل آزاد - پس از یک بازنگری به گذشته و پاشنه های آشیل حرکت خود، مسیر مشترکی را برای ادامه کار - و این بار دقیقتر و پر تجربه تر - و رفع نواقص گذشته انتخاب کردند.

پارامتر، اساسی ای که برای این باز سازی در حرکت نقش حیاتی ای بازی میکرد شرایط عمومی جنبش، وضعیت اجتماعی سیاسی توده ها و ماهیت دشمن بود که هر سه در رابطه ای آرگانیک، ضرورت و لزوم می جدیدی را که ویژگیهای مبارزاتی سیاسی خاص خود را در عمل داراست، روشن میکرد.

بنیادهای سیاسی اندیشه شریعتی که از هم آغاز بر لزوم کار در متن توده ها، ارتقاء آگاهی سیاسی - اجتماعی آنان، جایگزینی یک سیستم اعتقادی و ارزشی روشنگر در ذهنیت توده، ارائه بینه و میزان برای بازیابی شیوه مبارزاتی توسط خود مردم، ضرورت حرکت هم آهنگ میان پیشگام توده، تکیه میکرد، در حرکت تشکیلاتی پیروان راه معلم پاسخهای خویش را در تحقق امر سازماندهی و شکل بخشی توده ها، افشای ایدئولوژیک - سیاسی رژیم استعماری، مبارزه با ریشه های روانی اختناق، میبافت و بر سر آن پافشاری میکرد و ضرورتی ای که به مرور زمان صحت و برد خویش را در عمل با مصداقهای تازه ای روبرو میساخت. زمینه مساعد اجتماعی، دینامیزم مبارزاتی این خط، بازنگری و نیز تجربه عملی نیروهای پیرو در مجموع پایه ها و میانی اساسی این تجدید بنا را تشکیل میدهند.

حضور بیش از پیش فعال نیروهای پیرو راه معلم در داخل و خارج از کشور و نمود متشکل و فعال آن که در حال حاضر توسط فعالیت های تبلیغی مبارزاتی موحدین انقلابی در ایران، ابعاد گسترده ای یافته است (دستگیری بیش از ۲۰۰ نفر از هواداران راه معلم و موحدین انقلابی در ماههای اخیر در ۱۴ شهرستان، فعالیت های گسترده تبلیغی به مناسبت شهادت معلم در اکثر شهرستانها و نقاط کشور...) و تهاجم جدیدی که به شکل سیستماتیک از طرف رژیم بر علیه نیروهای پیرو راه معلم، سازماندهی میشود، همه نشانگر این ظهور فعال دوباره است.

رژیم استعماری حاکم که پس از سرکوب ۳۰ خرداد و دستگیری بسیاری از هواداران و اعضا تشکلات پیرو خط شریعتی (دستگیری مرکزیت و اکثر اعضا آرمان، سازمان توحیدی جدید، کانون ابلاغ اندیشه های شریعتی و...) به خیال خود برای درازمدت نبض حیات این حرکت اعتقادی - سیاسی را بسته بود و از این جانب خیال خویش را راحت میدید، امروز بار دیگر شاهد شکل گیری

معرفی ابعاد اجتماعی و عملی اندیشه شریعتی در صاف و بی ارتجاع اساسی تری و عمده ترین رسالت پیروان این راه است و تنها با سطح قطعی و تعیین کننده به این ادعا کسه اندیشه شریعتی از سطح یک حرکت روشنفکری و مقطعی فراتر می رود و در بزنگاه های تاریخی و بیخهای سیاسی و مبارزاتی تا تسسوا باز ارائه راه حل اجتماعی، به موزه های ذهنی گران و بی عملی غنای بیشتری میکند.

فعالیتها و اقدامات سیاسی - فکری پیروان این اندیشه شده است. چنانچه بدین حال فعالیت های تبلیغی موحدین انقلابی به مناسبت " هجرت و شهادت معلم انقلاب " رژیم ضد خلقی در شکل گسترده ای تهاجمات خویش را آغاز کرده است تا بدین شکل این اقدامات را در نطفه خفه کند و مانع از رشد و گسترش آن گردد. به خصوص که خود آزمینه های مساعد رشد خط آگاه هیبخش و شعارهای محوری و مشترک آن در میان توده ها آگاه است.

دامنه این دستگیریها آنچنان وسیع است که رژیم در هراس از بیگیری یک حرکت سرآسری و مداوم به سراغ هواداران که فعالیت غفنی و عملی ندارند نیز رفته و از فیض سرکوب خویش محروم نگذاشته است، در این میان وظیفه ما هواداران راه و اندیشه شریعتی حول دو محور اساسی متمرکز میشود:

۱- معرفی و ارائه هرچه گسترده تر اهداف و شعارها و ویژگیهای بارز این خط در سطح توده ها و جنبش است. جا انداختن و پرجسته کردن وجوه متمیزه اندیشه رنسانس اسلام انقلابی در عمل

سرنگون باد رژیم دیکتاتوری استعماری حاکم!



گرامی بساد
بساد طالقانی
عالم انقلابی
توده‌ها

* از ابراهیم خلیل تا خاتم الانبیاء نخستین کارشان این بود که بتها را از ذهن‌ها بزدایند و وقتی که بتها از ذهن‌ها و اندیشه بشر زدوده شد و توحید خالص جای آن را گرفت، بت‌های بیرونی و مظهرها، چه ماه، چه آفتاب، چه شاه باشد و چه قهرمان‌ها همه از میان خواهند رفت. اگر رفتید، بت‌های ذهنی را شکستید. بت‌های که سالها به معجزات او، اندیشه او، خلافت او و در یافت او لافها زدند گزاف‌ها گفتند و دنیا را پر سر و صدا کردند (از تبیین رسالت برای قیام به قسط اثر طالقانی)

* آیا باور نمیکنید که ارزش پیدا کردیم و سرنوشت به دست خود ماست. مردم واقعا باید به حساب بیایند، مردم باید سرنوشت خود را به دست گیرند مردم باید بتوانند راهی برای زندگی خود پیدا کنند... این مردم هستند که باید حاکم باشند و لاغیر (سخن - رانی طالقانی در حوزه علمیه به نقل از طالقانی و تاریخ)

* وقتی که زمینه قسط فراهم شد همه مردم به حشاش رسیدند آنوقت است که انسانها میتوانند برپا بیایند والا در نظام غیر قسط انسانها همه بار بده هستند، قیام ندارند قعود دار دو توسری خور و سواری بده هستند □

اندیشه، مهمترین پشتوانه و تضمین بقای استراتژیک مبارزات و مقاماتهای پیروان گمنام این جنبش فکری - سیاسی است که امروزه، بر - جسته تر و عمیق تر لزوم و ضرورت وجودی خویش را در انقلاب بارز نموده است.

معرفی ابعاد اجتماعی و عملی اندیشه شریعتی در مصاف با ارتجاع اساسی ترین و عمده ترین رسالت پیروان این راه است و تنها پاسخ قطعی و تعیین کننده به این ادعاهای اندیشه شریعتی از سطح یک حرکت روشنفکری و مقطعی فراتر نمیروند و در بزنگاههای تاریخی و پیچهای سیاسی و مبارزاتی، ناتوان از ارائه راه حل اجتماعی، به مرزهای ذهنی گرافی و بی عملی عقب نشینی میکند.

آنچنانکه به یمن چندین سال مبارزه سیاسی فکری پیروان راه معلم، ارتجاع دست از ادعای طرفداری از این ایدئولوگ انقلابی که در همه سطوح ایدئولوژیک دشمن دراز مدت ارتجاع محسوب میشود، برداشته است در پرتو مبارزات متشکل و هماهنگ و توده گیر پیروان این خط بر علیه رژیم دیکتاتوری استعماری حاکم نیز، باید کوشید تا مشی "آگاهی بخش" را بعنوان عمده ترین رسالت پیشگام انقلابی موحد در شرایط کنونی، در جنبش جا انداخت و به تثبیت رساند. مقاومت قهرمانانه پیروان این اندیشه در عرض این چهار سال در لگام

و جنبش فعالیتهای پیروان راه معلم در حال حاضر این اصل را ثابت میکند که تا هنگامی که یک اندیشه از دیدگاه مردم اجتماعی و کارکرد اعتقادی در صحنه عمل مبارزاتی و در عرصه بیگانه ایدئولوژیک برخوردار باشد و زنده و پویا، همسواره امکان احیاء عملی و ظهور متشکل و هماهنگ را در اجتماع میتواند تضمین کند.

کسیختگی ارتجاع در سرکوبی آنان، خود گواهان روشن این ادعاست.

۲ - انعکاس اخبار مقاومت پیروان اندیشه و راه شریعتی در شرایط کنونی در گسترده ترین ابعاد، گامی در راستای افشای رژیم استعماری خط عمومی رژیم در رابطه با انعکاس فعالیتها، دستگیریها و اعدامهای پیروان خط معلم را عمدتاً سکوت تشکیل میداده است. به جز در برخی زمینهها و مقاطع خاصی، کوشش اساسی اش این بوده است که با پرهیز از طرح این حرکت بعنوان یک خط فعال وجود چنین جنبشی را در اذهنان فراموش شده جا زند.

بر همین اساس انعکاس گسترده و سراسری اخبار مقاومت و استواری پیروان اندیشه معلم در زندانها و... از یک سو، توطئه سکوتی را که از طرف دشمن طرح ریزی شده خنثی میکند و از سوی دیگر بر حضور فعال و هماهنگ مشی نویینی گواهی دارد که در صحنه عمل اجتماعی مشخصات ویژه و ممتاز خود را داراست □

وحدت عمل نیروهای مستقل در جبهه مشترك آزادبخش
ضرورت مرحله آگاهی بخش کنونی است.

سلسله بحث

استراتژی (۲)

واژه استراتژی (از ریشه یونانی استراتوس = ارتش و آگاین = هدایت کردن) در اصل یک مفهوم نظامی است و بمعنای خاص: هنر رهبری عمومی جنگ و سازمان دفاعی یک کشور، که بمعنای عام آن "طراحی مجموعه عملیات هماهنگ و مانورهاییکه به هدف (پیروزی) راه میبرند، در زمینه های دیگر نیز مورد استفاده قرار میگیرد.

تاکتیک (از ریشه یونانی تاکتیخه - تخته یا تکنیک - هنر مرتب کردن و در دسترس داشتن) و در برابر استراتژی، هنر ترکیب کلیه ابزار نظامی (نفرات و تسلیحات) در جنگ و اجرای محلی نقشه های استراتژیک مطابق شرایط است و بمعنای کلی: مجموعه وسائل هماهنگ که برای نیل به نتیجه بکار میروند. لفظ تاکتیک، گاه به معنای گسترده آن، معادل استراتژی بکار گرفته میشود.

در تعریف و تقابل استراتژی/تاکتیک و به منظور وضوح آموزشی، معلم از همین تمثیل استفاده میکند (۲).

میدانیم که در تاریخ مارکسیزم نیز، برای اولین بار استالین در کتاب "مسائل لنینیسم"، با بکار بستن همین تشبیه جنگی، به تقابل استراتژی: تاکتیک دست زد (۳) وی با تجزیه مکانیکی این دو مفهوم، به دو مقوله مجزا از یکدیگر: "اگر هدف استراتژی پیروزی در جنگ است... هدف تاکتیک، پیروزی نه در مجموع جنگ، بلکه در این یا آن نبرد، این یا آن عملیات مخصوص یک وضعیت مشخص است"، امکان توجیه هر نوع موضع سیاسی را "بعنوان تاکتیک" فراهم ساخت. حال آنکه در تعریف معلم، رابطه ضروری ارگانیک و دیاکتیک این دو بنحوی علمی و توحیدی در نظر گرفته میشود. بدون این رابطه و خدت خط مشی حزب از میان رخت بر میبندد و مابین گرایش به اصول یا شرایط جدائی میافتد.

سرمنشا "دوبیماری شناخته شده فرصت طلبی (اپورتنیزم یا مطلق کردن ضرورت انطباق و آداپتاسیون سیاست بر شرایط) و جزمیت یا دکما تیزم: اصول بتنهائی کفایت میکنند) را در اینجا باید جستجو نمود.

در تاریخ مارکسیزم، پیش از استالین، لنین بنحو غیر قابل مقایسه، اصولی تری بر تقابل میان تاکتیک یا تصمیمات کوتاه مدت و اصول بنیادین سیاسی تأکید ورزید. از نظریه "مسائل تاکتیکی باید موضوع تصمیمات جمعی در رهبران کنگره ها باشند". این کنگره است که مسائل تاکتیک یا همان "رهبری سیاسی حزب، خصلت، جهت و شیوه های فعالیت سیاسی حزب و هدایت آنرا در مجموع در برابر مسائل و وضعیتهای جدید، تعیین میکند".

وی در دواثرش: "دو تاکتیک سوسیال دمکراسی" و "بسوی وحدت" (۱۹۱۵)، که اولی را بر علیه اپورتنیزم و دومی را بر علیه دکما تیزم نگاشته است، هم بر ضرورت معیار قرار دادن دائمی اصول استراتژیک تأکید میکند: "محک زدن تاکتیک ما از نقطه نظر اصول مارکسیسم، و تعالیم انقلاب، برای هر که واقعا بخواهند وحدت تاکتیک را بمثابه وحدت کامل مجموعه حزب در آینده تدارک ببینند، ضروریست... تنها با متکی نمودن مواضع سیاسی کوتاه مدت بر اصول اساسی است که میتوان به یک توافق دست یافت.

و هم بر ضرورت انعطاف واقع بینانه تطبیق تئوری بر شرایط ملی و بین المللی اصرار دارد: "حتی یک اقدام روزمره سوسیال دمکراتیک انقلابی را نمیتوان به اجراء در آورد، مگر با آموختن چگونگی تغییر فرم و انطباق آن با ویژگیهای هر مرحله جدید تاریخی".

با اینهمه در تئوری لنینی نیز، مسأله "تطبیق اصول بر شرایط" یکجانبه است. گوئی مارکسیستی، یک تئوری پایان یافته و یکبار برای همیشه ساخته و پرداخته شده است و در پرتو تعالیم واقعیت، هیچ حک و اصلاحی در تئوری نمیبپذیرد.

مسأله واقعی در تاریخ مارکسیزم اینست: وحدت تاکتیک بجز در استدلالات سیاسی، هیچگاه نه در واقعیت تاریخی و نه در جنبش کمونیستی بین المللی و نه در حزب کمونیست شوروی، وجود خارجی نداشته است! (۴)

با توجه به معضلات فوق، حال بسراغ تاریخ اسلام و مسأله استراتژی یا متدلوژی سیره نبوی و مشی علوی و اندیشه معلم میرویم، تا بسوالات زیر پاسخ گوئیم:

۱- چه رابطه دقیقی میان اصول عام و صحت یک موضعگیری سیاسی در یک مرحله معین میتوان برقرار ساخت؟

۲- شروط و نحوه تطبیق (تئوری بر شرایط) کدامند؟

۳- چگونه میتوان وحدت تاکتیک را بمثابه مبنای وحدت حزب در عمل حفظ نمود؟

* * * * *

تاریخ اسلام بمثابه آخرین دین ابراهیمی تاریخ، خود مرکب از مراحل و خط مشی هسنای عتما یزیست. بزرگترین مذاهب ابراهیمی، یعنی یهود و مسیحیت و اسلام، نماینده سه استراتژی موسوی، عیسوی و محمدی اند، مشی انسانی عیسوی ناسخ و جایگزین مشی سیاسی موسوی و مشی محمدی سنتز این دو و خاتم رسالت نبوت و وحی است. از آن پس، امامت جانشین مسئولیت رهبری امت و تشیع علوی در تداوم تسنن محمدی و در برابر تسنن اموی حاکم، توسط ائمه ۱۲ گانه، (که با اعتقاد شیعه از سوی رسول توصیه و معرفی شده اند) پی گرفته میشود.

پیروز باد نبرد عقیدتی اسلام اجتهادی علیه اسلام فقهاتی

از دوران بعثت نبی تا غیبت مهدی، میتوان بوضوح لا اقل هفت استراتژی کلی مشخص را در مراحل مختلف تحقق آرمان توحید در جامعه بشری برشمرد:

- ۱- سیره و سنت محمدی: (بعثت، هجرت، جهاد) شامل سه مرحله:
 - الف- خودسازی فردی (عبادت، کار، مبارزه اجتماعی) - تا چهل سالگی
 - ب- بعثت- دوران مکی (۱۳ ساله)
 - ج- هجرت دوران مدنی (جهاد تا فتح نهائی مکه و شبیه جویره عربستان) - ده ساله
- ۲- رهبری علوی: (مکتب، وحدت، عدالت)
 - الف- ۲۳ سال مبارزه برای استقرار مکتب
 - ب- ۲۵ سال سکوت فعال برای حفظ وحدت (در مقابل خلفاء راشدین)
 - ج- ۵ سال نبرد برای تحقق عدالت (جنگهای صفین، جمل، نهروان علیه قاسطین، ناکثین و مارقین)
- ۳ و ۴- مشی "شهادت" حسینی: (شامل دومشی مکمل حسنی - حسینی)
 - الف- جنگ و شکست امام حسن

نقش رهبری عقیدتی - سیاسی را در عصر غیبت، نمیتوان با نقش ائمه یا همان حقوق و میراث و وظائف یکسان شمرد بلکه برای فراهم آوردن امکان نهاد و همان جوهره رهبری ارزشی و عقیدتی، منشی بر کتاب سنت باید به دو پارامتر جدید در اجتهاد یعنی "علم و زیست" روی آورد.

ب- قرارداد متارکه و پایه ریزی شکل مخفی
ج- مشی "شهادت" حسینی: افشاء خلافت غصب اموی

۵- مشی "آگاهبخش" جعفری:
الف- آغازگری توسط مکتب نیا پیش سجاد
ب- تجدید ساختار مکتب توسط امام محمدباقر
ج- میوه نهائی این "شجره طیبه" در آموزش های مکتب فکری امام جعفر صادق
۶- مشی "افشاگری توده ای" رضوی:

الف- انزوای امام هفتم و برنامه ریزی
ب- نقشه حساب شده و موفق امام رضا برای فریفتن انقلابی هیئت حاکمه مأمون عباسی در جهت افشاء گسترده توده ای ماهیت حاکمیت غصب عباسی و معرفی رهبری برحق علوی (پذیرش ظاهری ولایت مهدی)

ج- برپا شدن نهضت های شیعه سرخ در ایران و سراسر امپراطوری اسلامی: نتیجه مشی رضوی
۷- مشی مستمر تاریخی "انتظار و اعتراض" مهدوی: فلسفه آخرالزمان یا بین الملل آزادی، برابری، عرفان

الف- تداوم مبارزه توسط ائمه نهم، دهم و یازدهم
ب- مرحله غیبت صغری: مبارزه زیرزمینی امام با و سلطنت نواب ۴ گانه.
ج- مرحله غیبت کبری: یا آغاز عصر دمکراسی متعهد و رهبری عقیدتی مبتنی بر علم و اجتهاد. مفهوم سنت (راه و روش) دارای دو معنای عام و خاص میباشد: ۱- سنت الله (راه): قوانین عام حاکم بر جهان و جامعه و بنظر معلم یکی از چهار عامل سازنده تاریخ: در برابر

شرائط و تصادف + ناس و رهبری.
فطن تجد لسنه الله تبدیلا
ولن تجد لسنه الله تخویلا

۲- سیره نبوی و عترت علوی (روش): متدلوزی حرکت پیامبر و ائمه، اصول و پیرویه های عمل مبارزاتی نبی و امام (استراتژی/ تاکتیک) و یکی از چهار پایه اجتهاد: مکمل قرآن + علم و زمان (در برابر عقل و اجماع)

میدانیم که "سنت" مکمل و حتی گاه ناسخ قرآن است، زیرا قرآن به تعبیر امام علی سرشار است از: "حلال و حرام، فریضه ها و فرائض، ناسخ و منسوخ، رخصتها و عزیمتها، خاص و عام، عبرتها و مثلها، مطلق و محدود، محکم و متشابها،

(خطبه اول نهج البلاغه - فیض الاسلام ص ۳۶) و به همان گونه که گاه آیات قرآن هم رانسخ میشوند (مثلا آیه جنگ ناسخ آیه صلح میشود و بالعکس) و به انواع دیگری چون محکم (صریح) و متشابها (چندپهلوی) و تقسیم میشوند، سنت پیامبر نیز میتواند در بسیاری موارد آیات قرآن رانقض و جایگزین آنها شود و بالعکس (مانند مسأله تغییر قبله از بیت المقدس، که درست و واجب بود، به کعبه، که توسط قرآن سنت قبلی نسخ شد و نمونه های دیگر)

بنابراین، تضمین و تجسم انسانی "کتاب" رسول و امامند، که بعنوان آشنایان بنسب روح و قوانین فوق نیا "قرآن ناطق" عمل میکنند. اینست که علی خطاب به ابن عباس میگوید: "بنا خوارج با قرآن استدلال مکن زیرا قرآن قابل حمل بر معانی بسیار و دارای وجوه متعدداست، تو میگوئی آنها هم میگویند، بلکه با "سنت" بنا آنان احتجاج کن که راه فراری ندارند و ناچار از پذیرشند"

و از این رو سنت، که همان قاسطینی که در جنگ احد، نیت "هبل را پرچم کرده بودند" این بار در جنگ صفین "قرآن را در برابر علی بر سر نیزه علم کردند."

مهمترین ضرورتی که سنت (عترت) در عصر حاضر (غیبت) میباشد یا سخگوی بریت میباشد، "علم رهبری بیگسار" خلت های مستضعف جهان (دوم گرسنه است) برای پیروزی اردوی بین المللی آگاهی و آزادی کار بر استحسان و استبداد سرمایه داری

سؤال اساسی که در اینجا مطرح است چگونگی طرز استفاده از سنت (عترت) در عصر "غیبت" یا "خاتمیت امامت" یعنی آغاز دوران "دمکراسی متعدد" و "عصر کبیر آگاهی خلقها" است؟

رعایت قانونمندی هر مرحله تاریخ و ضرورت احتراز از هرگونه قرینه سازی صوری یعنی بررسی یک مرحله پیشرفته توسط قوانین ساده تر مرحله قبلی (که نافی قاعده تکاملی پیچیدگی و بفرنجی تکامل تاریخی - اجتماعی است)، حکم میکند که ما مرزهای متمایزکننده مراحل و قوانین حاکم بر هر دو راه را دقیقاً دریا بیم.

برای نمونه، تفاوت دو مرحله شیعه و امامت را در نظر بگیریم، پارامتر وحی قولی مستقیم، نقش رسول رابعنوان پیام آور و ابلاغگران، ویژگی خاصی میباشد، که پس از خاتمیت و تکمیل دین، دیگر کسی نمیتواند

مدعی رسالت و شریعت نوینی شود.

از اینرو، امام علی در برابر عبداللہ بن سبا، نخستین پیشوای فرقه علی اللہی که معتقد شد خدا در چهره علی ظهور دارد، اورا به مدائن تبعید کرد و چراکه اولاً، حتی در مورد محمد "عید" بودن وی بر رسول بودنش مقدم آمده است "بگو من شهری مثل شما میم که فقط به من وحی میشود و" پیامبران شان به ایشان گفتند: ما جز بشری همانند شما نیستیم" (۱۱۰/کشف/۱۱/ایراهم) ثانیاً، در برابر شیعیان "غالی" که گاه علی را از پیامبر فراتر میبردند، امام بر محدود بودن عزت در کادر سنت و کتاب تاکید میورزد.

همینطور در مرحله ختم امامت (بمعنای اخص انبی عشری)، که دیگر پارامترهایی چون "عصمت" (مصونیت از خطاب واسطه بالاترین سطح "علم" نسبت به افراد هم نوع و "افضلیت" به معنای انسان مافوق بودن امام و نه مافوق انسان بودنش)، در نقش عنصر آگاہ رهبری کنشده، دخیل نیستند، هرگونه مقایسه و تشبیهی که شبهه وحی بودن نظرات رهبری و معصوم بودن وی از خطاب را القاء کند، یک انحراف جدی ضد تکاملی است.

بنابراین همانطور که در مرحله معدنی تکامل جهان، تنها قوانین فیزیکی-شیمی حاکم بودند و در مرحله آلی و تشکیل ارگانیسما، قوانین بیولوژیک مستقر شدند و نهایتاً با پیدایش انسان و مرحله تکامل اجتماعی، قوانین علوم انسانی در پیچیده ترین شکل ممکن عمل میکنند، هرگونه ارزیابی یک مرحله معین تکاملی بکمتر قوانین مرحله پیشین، نوعی مکانیسم وساده سازی غیر علمی است. یعنی نه تنها نمیتوانیم نقش پیامبران را به کاتالیزورها و آنزیمهای حیاتی تشبیه و محدود کنیم، بلکه نقش رهبری عقیدتی - سیاسی را در عصر غیبت، نمیتوان به نقش ائمه با همان حقوق و میزبان وظایف یکسان شمرد. بلکه برای فراهم آوردن امکان تمدن و همان جوهره رهبری ارزشی و عقیدتی، مبتنی بر کتاب / سنت، باید به دو پارامتر جدید در اجتهاد یعنی "علم و زمان" روی آورد. چراکه بنا به پیشرفت علوم انسانی (از جمله تاریخ و جامعه - شناسی و اقتصاد و حقوق و علوم سیاسی) امروزه رهبری سیاسی خود بصورت یک علم جدید

درآمده است و در غیاب چنین آگاهی عمیقی به این قانونمندیها، یا بنوعی "اخباریگری" مبتلا خواهیم شد و یا به سرنویشت رژیم فقها (آنهم جریان "اصولیین مجتهد")، که مثلاً در مبارزه غلیظ "ضدامپریالیستی" اش، بهترین خدمات را تا کنون و در عمل به ریگانیزم و صهیونیزم کرده است! امروزه از سراسر "سنت محمدی و عترت علوی" تنها فرمولی که برای حوزه علمیه "اسلام فقاهتی" برجای مانده، اینست: "قول و فعل معصوم و تقریری" (تا ئید ضمنی رفتار دیگران)، یعنی علم احادیث مربوط به او و مرونواهی حقوقی-خصوصی ائمه، که یکی از ادله احکام شرعی "بشمار میآید.

از تمام وظایف اسلامی چه مانده است؟ "احکام"، یعنی باصطلاح فقهی: "خطاب الهی که متعلق به فعل مکلف باشد". از "فقه" یعنی فهم عقیدتی "که جوهره سازنده عنصر آگاہ موحیدیا فقیه است، چیست؟

"علم به احکام شرعیه فرعیه از روی ادله تفصیلیه" یا "علم به مجموعه احکام شرعی عملی، خواه قطعی باشد، خواه "ظنی" و استنباطات "مجتهدین" و اقوال صحیحه و غیر صحیحه"، راجحه و "ضعیفه" و هرکس که متصف به این علم ("طرق و ادله احکام شرعی و فرعی) باشد، فقیه است و صاحب فتوا!

حال آنکه مهمترین فرمولی که سنت (عترت) در عصر حاضر (غیبت) میبایست پاسخگوی بشریت میبود، یعنی: "علم رهبری پیکار خلقهای مستضعف جهان (دومگرسنه) برای پیروزی اردوی بین المللی آگاهی و آزادی رکار پر استعمار و استبداد سرمایه"، در اسلام فقاهتی اصولاً مسکوت و مجهول مانده است.

چراکه، در باب خندق فکری میان مترقی-ترین بخش اسلام اجتهادی (اندیشه رنسانس شریعتی) و "مترقی" ترین بخش اسلام فقاهتی (ولایت فقیه خمینی)، صادقانه باید اعتراف کرد که فاصله همان فاصله "علم آداب طهارت و نجاست فی بیت الخلاست با علم قوانین عصر انقلاب سیبرنتیک! (علم نظارت و کنترل)

* * * * *

و اما یک استراتژی کامل، شامل محتوای زیر است:

۱- جهت مبارزه (هدف): شناسائی تضاد عمده و ضعیف ترین نقطه ضعف خصم (تیررس اصلی) به منظور "انزوائی نهائی آن".

۲- مرحله انقلاب: مطالعه کلیه فاکتورها و شرایط مشخص عینی و ذهنی، ملی و جهانی، تحلیل دقیق از نقاط عطف و روندهای تاریخی، ساختارها و عملکردهای "جامعه و جنبش"، بمنظور ایجاد گسترده ترین اتحاد عمل نیروهای بالنده، اصلی و دائمی "خودی" و نیروهای بینابینی، فرعی، موقت و مساعد، جهت استخدام تمام توان ممکن علیه اردوی خصم.

۳- برنامه عمل: تدوین نقشه کلی آمیزش اشکال متنوع مبارزه و گزینش قاطعانه "لحظه آغاز" مناسب برای آکسیون و طراحی هماهنگی مراحل سیر بسوی هدف و تدارک وسایل تحقیق آن.

۴- یافتن حزب: تعیین صور سازماندهی، تقسیم مسئولیتها به هستهها و پرورش کادر ذیصلاح کارا. حال با توجه به این محتوا، باید دید که "سنت" چه نقشی در تدوین استراتژی مبارزه کنونی ما دارد؟ چه قالب مشخصی را برای تحلیل ما از شرایط فراهم میآورد؟ ما را در برابر کدام مسئولیتها و وظایف قرار میدهد؟

بارها شاهد استناد فلان شخصیت و گروه سیاسی بروجعی از سنت پیامبر و ائمه در توجیه شرعی موضع و عمل خویش بوده ایم:

یکی میگوید الان باید "سکوت علی وار" کرد، دیگری با دشمن میسازد، سمش را میگذارد صلح حسنی، دیگری میخواهد همچون امام رضا به حکومت پلیتیک بزند! آن یکی به شیوه پیامبر مذاکره میکند، این یکی بسبب نهج البلاغه "مکاتبه" میکند، یکی دیگر قرارداد "جدیبیه" امضاء میکند، تعدادی بسان "باقرین" دست اندر کار فکری اند و بالاخره، عده ای دیگر به "امام بیمناک" متوسل شده اند و دست بدان دعا برده اند! برخی هم مثل امام مهدی اصلاً غیبتشان زده است و از صحنه "غائب" شده اند! و این میشود عاقبت

طرح هم‌این مباحث با هم در مقدمه قبلی، بدون تشریح و تفصیل بیشتر، را در شماره‌های بعدی جبران خواهیم کرد.

۲- الف - استراتژی = " طرح سوق الجیشی (لشکر کشی) گروهی از نقطه‌ای برای کوبیدن هدفهای دشمن و دفاع از هدفهای خودی، یا نقشه (از پیش معین) کینیت حرکت گروه " مهاجم - مدافع (از نقطه مبدا تا هدفهای تهاجمی (منکرات) و هدفهای دفاعی (معروف‌ها) "

ب- تاکتیک = " اتخاذ اعمال بهترین و مناسبترین تدابیر، روشها و وسایلی است در برابر موانعی که بهنگام تعقیب استراتژی کلی برای گروه مهاجم - مدافع " پیش می‌آید. بنا بر این "تفاوت استراتژی / تاکتیک عبارتند از: الف- سازیش تعیین شدگی اولی و در متن عمل " مشخص شدن دومی.

ب- "شناخت قبلی" از موقعیت خودی و دشمن در اولی و "اجرا شدن دومی" بموازات درگیری و متناسب با موانع و موضعگیری دشمن و پیشامدهای غیر قابل پیش بینی.

پ- "ثابت ماندن" اولی در طول یک مرحله معین و "متغیر و موقتی بودن" دومی طبیعتی موقعیتهای گوناگون. (ص ۱۴۸ "شیمه یک حزب تمام، مجموعه ۷)

۳- "استراتژی به نیروهای اساسی انقلاب و ذخیره‌های آنها می‌پردازد، و جوهرها در طی یک مرحله مفروض بلا تغییر میمانند...

تاکتیک به اشکال می‌ارزه و اشکال سازماندهی و برولتاریا و به جایگزینی و ترکیب آنها می‌پردازد. "مسائل تکنیک استالین

۴- ژ- اف- س، دیکسیونر مارکسیسم ماده "استراتژی / تاکتیک"

۵- البته در اینجا مقصود از امامت بمعنای اخص (علی و یازده فرزندان) میباشد، چرا که در معنای دیگر، امامت بر نبوت برتری دارد؛ ابراهیم دهها سال پس از نبوت و گذراندن آزمایشها به "امامت" رسید (۱۲۴/بقره).

خود نبوت نیز به "اولوالعزم و تبلیغی" تقسیم میشود: از میان ۱۲۴۰۰۰ پیامبر تبلیغی، تنها ۵ تن "اولوالعزم" یعنی دارای "کتاب و شریعت و رسالت" بوده‌اند □

* هدف ما چیزی به جز بهروزی خلق و در هم شکستن هرگونه روابط ظالمانه اجتماعی و اقتصادی و استوار ساختن تعالیم عالیله اسلامی در جامعه نیست، جامعه‌ای آزاد، بی طبقات و توحیدی، جامعه ایده‌آل ماست.

از: دفاعیات مهدی

بمناسبت ۱۷ شهریور سالروز شهادت

مجاهد خلق مهدی رضائی

اصل "تنوع اشکال" تاکتیکی در مبارزه رایج "مکتبی"؛ براستی آیا موقعیت و منافع و امیال ما "سنت" را یکدک میکشند و یا سنت، راهنمای ما، ایثارگر منافعان و دگرگون کننده محیط کاهنده ما است؟

از سرفصل بعثت در ۱۳ قبل هجری، تا دوره غیبت کبری در ۳۲۹ هجری (۹۴۱ میلادی) محمد و علی و یازده فرزندان، بر اساس سنت مشخصی و در صورت متنوعی، مبارزه را پیایی پیگیری کرده‌اند.

چگونه میتوان از خلال این سلسله مشی‌های پویا و ناخ یکدیگر، بیک نظم و توالی ثابت که پایه اسلوب و قواعد رهبری صحیح را در عمل نشان دهند، پی برد؟

طبق کدام ملاک قابل آزمایش در واقعیت خارج از ذهن، میتوان از این سنت در تدوین استراتژی کنونی مبارزه، سود جست؟

و آیا اصولاً علم رهبری عقیدتی (استراتژی/ تاکتیک مبتنی بر کتاب / سنت)، در عصر غیبت تا چه اندازه پیشرفته و قابل اتکاء است؟

از قرن ششم هجری (۱۳ میلادی)، با پاجتهد در تشیع باز و در تنسن بسته شده است، ولیکن برای پاسخگویی به سئوالات فوق، در مرحله تکوین و تجدید ساختار و رنسانس و رنفرم و پروتستانتیسیم اسلام معاصر، ما باید از صفر شروع به بازسازی کنیم.

(دنیاله در شماره آینده)

Δ Δ Δ

۱- مقدمه کلی و موجز شماره پیش نشریه تعداد سؤال را برای برخی دوستان پیش آورد که مختصراً پاسخ میدهم:

الف- در مورد دو اصطلاح "تشبیه" و "تعطیل" در اصطلاحات عرفان اسلامی، توحید در شکل ظاهری اش "لا اله الا اله" در برابر دو کلمه و براهه قرار میگیرد: ۱- شکاکیت و لا ادگری فلسفی، که بر اثر غیر قابل شناخت بودن "ذات" اله و "غیب الخیوب" بودن خداوند و اصطلاح "لن ترانی" (مرا هرگز نخواهید دید)، که اصطلاحاً به این وضعیت عدم شناخت انسان نسبت به خدا، "تعطیل" میگویند.

ب- خطر دوم، که عکس العمل اولی است، "تشبیه" یا آنتروپومورفیسیم یعنی شکل انسانی بخشیدن به خداوند، بویژه در مکاتب و فرق عرفانی باطنی و وحدت وجودیون، پیش می‌آید و به امام و شیخ و مرشد و روحانی پرستی میانجامد.

برای وضوح بیشتر این مبحث باید بسسه "سلسله آموزشهای جهانی" که در آینده منتشر خواهند شد، رجوع شود.

پ- در مورد نقش انقلابی حرکت زید و اسماعیل که هر دو مورد تأیید ائمه بوده‌اند، منظور ما فقط انحرافات بعدی فرقه‌های انشعابی زیدیسه و اسماعیلیه است، و گرنه در مثبت بودن این قیامها در مجموع بر علیه خلافت اموی - عباسی، نه تنها شکی نداریم، که از جمله افتخارات ما شیعیان یکی وجود همین نهضت‌های خلقی و انقلابی شیعیسی بویژه از دوران غیبت تا ظهور صفویه است. در اینجا بحث فقط در سنجش صحت و سقم استراتژیها گوناگون فرق مختلف شیعی است از جمله "امامیه" که مذهب خاص ماست.

ت- و اما نقص موجز و مختصر و اجمالی بودن

اخبار از کانال جنبش

به نقل از "خروش موحد"

★ موهی خوئینی ها که جدیداً جایگزین مهره قبلی در دادستانی گردیده است طی دیداری از اوین گفت: "ساده لوخانه است که اگر تصور کنیم رگ حیات ضدانقلاب را قطع کرده ایم. * دادستانی کشور در یک قدم اسکولاستیکی دیگر طی بخشنامه به آموزش و پرورش و تمامی مراکز آموزشی (دبستانها و دبیرستانها و...) حکم کرده است که باید به هنگام ثبت نام دختران از اولیاء و خود آنها تعهدنامه کتبی جهت عدم بی جابانی گرفته شود و در غیر این صورت فرد از آموزشگاه اخراج گردد.

* بهزاد نبوی در یک سمینار داخلی (سمینار مدیران شرکتهای تحت پوشش سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران گفته است:

"افزایش تولید در سالهای ۶۲ و ۶۳ در سال ۶۴ متوقف شده است (سه ماهه اول ۶۴ نسبت به مدت مشابه سال قبل ۲۴٪ کاهش تولید داشته است) اودرایین سخنرانی گفته است اگر همین روند ادامه یابد در آخر سال سازمان گسترش بیش از ۸۰۰ میلیون تومان ضرر خواهد کرد و مشکلات ارزی که خسود آن ناشی از وضعیت ارزی کل کشور است را علت اصلی این واقعه قلمداد کرد.

* رژیم منحوسرکوبگر خمینی بخاطر بیم و هراس فراوانی که از خط آگاهی بخش شریعتی دارد در ماه قبل دست به یورش و دستگیری وسیع در ۱۴ شهر در میهنمان به هواداران و حتی آنانی که مشکوک به هواداری این خط هستند برد و عدهای را دستگیر کرد.

* در پی سرکوب و اختناق آخوندیسم بر کلیه مراکز علمی، فرهنگی و دانشگاهی کشور طبق قانون مصوبه شورای عالی فرهنگی، قرار بر این شد که در هر دانشگاه یک کمیته انضباط ملیسی دانشگاه تشکیل شود که بوضع

دانشجویان متخلف سیاسی و اخلاقی در این کمیته رسیدگی شود.

* در پی خراب کردن خانه های مسکونی فیروزآباد جاده ورامین، اخیراً نیز خانه های مسکونی قلعه حسن خان و جاده

نظامی که در اطراف شهرری قرار دارد و اکثر آنها نیز متعلق به کارگران و کارمندان نوپا میباشد که با فروش وسایل زندگی خود توانسته اند خانه ای محقر در این مناطق ایجاد کنند توسط بولدورهای شهرداری خراب شده است. عمق جنایت اینجا است که شهرداری در موقع بنای این خانه ها آنها را خراب نمیکند، بلکه پس از اتمام آن اقدام به این کار مینماید و ضمن این اقدامات ضدبشری، ضدخلقی موقعی است که رژیم بودجه کشور را به کام دیو جنگ میریزد و کوچکترین قدمی برای حل مسئله مسکن برنمیدارد. ننگ و نفرت بر مرتجعین رسوا و ضدخلق بیاد * طبق اخبار واصله میرحسین موسوی با یک چک ۸ میلیون تومانی از سرمایه شخصی خود میخواهد روزنامه صبح آزادگان را خریداری کند.

* اخیراً دولت قراردادی با شرکت تالوت بسته که قرار شده طبق قراردادهای زمان شاه باز ۲٪ از سود این قرارداد به خیامی سرمایه دار معسروف تعلق گیرد و این است نتیجه قراردادهایی که مملو از وابستگی و سازشکاری است.

* اخیراً طبق اقدام تزوییری رژیم مبتنی بر اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی (ربا و قمار و اختلاس) وزارت اطلاعات (سا) و اک آخوندی (نیز پیروان بخشنامه، اعلامیه ای با تیتیر مبهم "اطلاعیه مهم در تمامی روزنامه ها صادر کرده و در این اطلاعیه آمده است که هر کس از سران سا و اک در این رابطه (اصل ۴۹) اطلاع یا شکایتی دارد مطرح سازد اینان خود بخود میدانند و با این اطلاعیه تلویحاً تأیید کردند که وزارت اطلاعات همسان سا و اک است و بر شالوده سا و اک بنا شده و خود میدانند که ادا نموده اند راه همان جنایت کاران ضدخلقی هستند.

* در پی گردمایی فرماندهان بسیج سپاه که در مشهد صورت

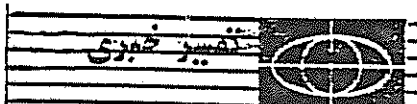
میگیرد قرار شد که سپاه و بسیج در اختلافات شهری دخالت نکنند و نیز تا جایی که میتوانند نیروی شدیدی زو بروست (وشایدیکی از دلایل عدم حمله همه جانبه درجه های جنگ همین کمبود نیرو باشد:

* در پی کشف اختلاس و رشوه در اکثر ارگانها و نهادها، در شهرداری بابل نیز ۴ میلیون ریال سوء استفاده و اختلاس کشف شده است.

* خلاصه ای از گزارش خیر - نگاران خ - م از نقاط مختلف کشور: رژیم ارتجاع که خود کاهش شدید تعداد شرکت کنندگان در انتخابات را پیش بینی میکرد، جهت پوشاندن سوت و کوری انتخابات خود، از قبیل به کاهش تعداد صندوقها در بسیاری از نقاط کشور دست زده بود تا از این طریق تعداد شرکت کنندندها بیشتر به چشم بخورد.

* نکته دیگر اقدامات شدید امنیتی پیرامون حوزه ها و کلا گسترده شدن وسیع تور پلیس رژیم در روزهای نزدیک به انتخابات میباشد نخستین منظره ای کسسه روز انتخابات در شهرهای مختلف به چشم میخورد سکوت و خلوت بودن شدید خیابانهای شهرها بوده است. عجز و لایه و خواهش و تمنای مسئولین حوزه ها، از اندک عابران و بفرما بفرما کردنشان و یا تبلیغ وهمای هوی گردنهای مداوم از طریق بلندگوهای مساجد و... نیز از مسائل عمومی این روز بود خلوتی شدید حوزه ها در سراسر کشور مسئله ای نیست که عتسی رژیم قادر به لاپوشانسی آن باشد. به حدی که رای برخی حوزه ها تا ساعت آخر انتخابات از ۲۰ - ۳۰ نفر هم کمتر بوده است.

استهزاء و لبخندهای تمسخر آمیز برخی مسئولین حوزه ها در برابر اقدام سا - لوسکارانه و مضحک تمدید ساعت انتخابات در برخی حوزه ها به چشم میخورده است و باعث افزایش مدت خمیازه کشیدن حضرات میشده است. بین اندک افراد رای دهنده در بسیاری نقاط متاسفانه تعداد زنان شرکت کننده بیش از مردان پومی خود شهر بوه است.



* اینروزها منتظری نایب امام جلاد، روی سیاست اسحماری خویش یعنی مستقل نشان دادن خط سیاسی اش درمخاطبه های رنگارنگی، وضعیت مطبوعات ادارات و به اصطلاح نقادان کرده است اعترافات وی درمنورد وضعیت مطبوعات، بسیمار خواندنی است:

" در زمان رژیم سابق هم روزنامه ها دولتی بود، حالا هم دولتی است یعنی در زمان رژیم سابق اینجور بود، زور بود دیگر و آنها هم همانطور که دستگاه میخواست و ساواک میخواست، کار میکردند اصلا میگفتند ساواک نسخه میکند و به آنها میدهد. روزنامه ارگان حکومت و دولت بوده است خالاهم یک معنی همجورها هست یعنی به این معنی که دولت مسا، حکومت ما که جمهوری اسلامی است "بالاخره (اگر) یک کسی از خارج بیاید، در ذهنشان است که روزنامه ها همان است که دولت میخواهد، همان است که رئیس جمهور میخواهد، همان خط را تعقیب میکند و تقریباً درخیلی مطالب باهم مشترک هم هستند"

" روزنامه های ما با این وضع خوب نیست، این یکسک و اقعیت است... فرض بگیرید مینویسند که این به من حمله کرده شما عین این جواب من

در میان اندک افراد شرکت کننده برخی پس از خروج از حوزه رای گیری حالتی شرم آلود در برابر همراهان یا دوست و اقوام خویش داشته اند و یا شرم و حالت وانفعال ترس قطع کوبین، حقوق بگیر دولت، قبولی در دانشگاه استخدام در ادارات و... را عامل رای دادن خود می دانستند، برخی دیگر از اندک افراد شرکت کننده که بویژه از نظر سنی جوانتر بوده اند با لبخند مودیانہ و تمسخر آمیز برگ رای را در صندوق انداخته و یا از حوزه خارج شده اند بعبارتی زبان حالشان این بوده که همه اجبازی رای داده اند و هم این که رای شان راهم سفید یا با اسامی غیرکاندیدها پر کرده اند.

برخی نیز از میان اندک افراد با غرغر کردن از حوزه خارج شده اند و بسیاری این جمله را گفته اند "چه ما رای بدهیم، چه ندهیم، آنکله باید انتخاب شود انتخاب شده است دل سردی بسیاری از مسئولین حوزه ها و برخی با اشاره و کنایه و برخی نیز صریح و بی پیرایه در مورد عدم استقبال مردم از انتخابات در بسیاری از مناطق و حوزه ها بوده است

* کارگران شرکت گاز میان کوه که مدتی پیش بعنوان اعتراض به وضعیت محیط کار حق مسکن، عدم تعلق بسدی آب و هوا و... دست ببه اعتصاب زده بودند (وهیثی از مرکز برای رسیدگی به اعتراض آنها اعزام شده بود) اخیرا به علت عدم برآورد شدن خواست آنها به رژیم وهیثش ۱۵ روز مهلت دادند تا خواستهایشان برآورده شود کارگران انقلابی در غیر این صورت اعتصاب خواهند کرد لازم به تذکر است که کارگران ان شرکت نفت غا جاری نیز طی قطعنامه ای از خواستهای کارگران اعتصابی شرکت گاز حمایت کرده اند □

آدرس پستی: موحدین انقلابی

را در روزنامه بنویسید شما حاضر نیستید بنویسید، چه اشکالی دارد! وی اعتراف میکند که " روزنامه را دیده اید که مردم مفره نان میکنند، زبردست و یاها هستند اینها!

در همین راستا، در آستانه تعیین کابینه سیاست یکی به میخ یکی به نعل ضمن تأکید دولت موسوی وی یکبار دیگر حمایت خود را از سیاست سرمایه گذاری آزاد و تثبیت بخش خصوصی، به دولت گوشزد کرد و گفت: " به نظر من باید دولت اصل را در بیان گونه موارد برآزادی افراد متعهد در امر تولیدات صنعتی تجنیگاری و کشا ورزی جهت گسترش چرخ اقتصاد مملکت بگذارد"

تثبیت و قدرتیابی گرایش بخش خصوصی در برابر دولت سالاری را در سخنان خامنه ای نیز میتوان مشاهده کرد"

ریشه مشکلات امروز ما وابستگی اقتصادی به خارج از این مرزها و منحصر بودن درآمد ما به درآمد حاصل از نفت است فقدان یک برنامه همه جانبه اقتصادی گرایش به دولت سالاری یکی دیگر از مشکلات است که نتایج این مشکلات را در کاهش رشد اقتصادی و گاهی در رشد منفی اقتصادی مشاهده میکنیم

..... " گرایش به افزایش تولید داخلی بوجود بیاید و شدت پیدا کند و استفاده از سرمایه ابتکار و مدیریت و همکاری مردم جدی گرفته شود □

کوه مرده، آسمان مرده،

به تخته سنگ ساحل بسته مرده، زو نفس هرگز سباید تک در دور دست تیره دریا، دل به سوای سوای در افوق، سر، سوری بر شور و غوغا

چیت آن سوای و ای سر؟ این سر بر شور و غوغا رفته بر سادی کشته جیزی، جز خال زان در دستش و ان دگر سوای منفی سرکش و ملی نه با نانش کشته کشتی اندرون ایوان سلطان سرگرد همچون اسیری سوی زندانش

کوه مرده، آسمان مرده، از: مندیجکی (نامه های مند به ارادش است)

آه، ای کینه، تو هم ما را محبت، مقدس هستی! ما نیتیم، ایم محبت قدر را به مردم با بت کینم مگر اینکه به دشمنان مردم کینه بوزیم

لودور و گوروسک سنقنگو

MOVAHEDE
B. P. 11
92340 EG LA REINE
FRANCE

بقیه مقاله قرون وسطی ارتجاع

عینی و ذهنی موجود، هماهنگی طبیعی و متناسبی وجود ندارد. چرا که نظام اقتصادی جاضر در ایران، نه جوشیده از روند تحولات اجتماعی - اقتصادی اجتماع ما است بلکه تحمیل شده از جانب رژیم است که بر اساس سیاستهای خاص خویش و با تمسک به یکسری اصلاحات، به چنین تغییر و تحولات دست زده و در عین حال که از چند دهه پیش این تحولات اجتماعی در عرصه فرهنگی - مذهبی نیز تاثیرات مستقیم و خاص خود را داشته اند اما به هیچ وجه در ریشه های استوار و کهن باورهای اعتقادی مردم و خدشهای وارد نکرده و سنن فرهنگی مذهبی جامعه ما با همان مشخصات همچنان پابرجاست. از این قرار، یک دوگانگی میان شرایط جامعه و شرایط ذهنی بوجود می آید که تعیین نقش و وظیفه روشنفکران مشکل مینماید.

طرز تلقی و معنی و توجیه مذهبی را در جامعه عرصه کنیم و مذهبی که عامل انحطاط، رکود و سقوط است بصورت عامل متحرک و سازنده در آورییم و خلافت همه نیروهای اجتماعی را با تدرستی که مذهب در آن جامعه ندارد بپذیریم. سازندگی و بسط و اعتدالت پیش برسیم (ویژگیهای قرون جدید، از معلم شهید صفحه ۱۱۴)

در تحلیل شرایط عینی بحتی نیست عصر امپریالیسم، "حاکمیت بورژوازی وابسته" تکوین و شکل و رشد طبقات بالنده اجتماعی به عنوان واقعیتهای موجود، حاضر و جاری، سنگینتر از آنست که جای ابهام و انگار باقی بگذارند. اما در تحلیل شرایط ذهنی، ما به یکسری ویژگیهای مشترکی میان جامعه خویش و جوامع قرون وسطی اروپائی برسیم و از این نظر که این تحلیل ما را به طرح "رنسانس" به عنوان یک "راه حل" و "آلترناتیو" میخواند، از دیگر برداشتها در این ارزیابی تاریخی جدا می شویم. این ویژگیهای مشترک را که پس از حاکمیت دیکتاتوری استعماری و ولایت روحانی، بارزتر شده، فرمولوار چنین طرح میکنیم:

- ۱- اورپانتاسیون مذهبی: رسمیت بخشیدن به اسلام فقاهتی و تشیع تقلید و آموختن آموزش سیستماتیک دگمها و اصول ثابت ولایت فقیه مذهب تعبدی و انتقال آن از طریق تقلید، اسکولاستیک جدید، تقلد اندیشه، هنر علم بر مذهب رسمی جاکم... (ایدئولوگ سازی)
 - ۲- مرکزیت و سازمان بندی روحانیت حاکمیت و سلطه دستگاه مذهبی و سلسله مراتب آن،
 - ۳- ولایت فقیه: حکومت فردی فقیه که کلل دستگاه سیاسی هیئت حاکم و دولت و مراجع قدرت را تحت شعاع خویش دارد.
 - ۴- مذهب حکومتی و حکومت مذهبی: تلفیق دین و دولت و تفوق دین بر کلیه شئون سیاسی
 - ۵- پان اسلامیم: انترناسیونالیسم مذهبی. ویژگیهایی که در جامعه ما به نحو محسوسی بارز است.
- در جامعه ای که روحانیت به تعبیر شعثیان، همچون یک "شبه اختاپوسی" در

در انتهای قرون وسطی، به سر میبرد و در آستانه یک رنسانس بنیادین فرهنگی، اپدولوژیک، طبقاتی، سیاسی... این سوال را پیش آورده، که "چه ویژگیهایی شرایط تاریخی جامعه ما را به قرون وسطی اروپائی تشبیه میکند و حاکمیت کنونی را وجهی قرون وسطائی میدهد، حال اینکه، اساساً شرایط اجتماعی ما، بواسطه وجود عصر امپریالیسم و انحصار سرمایه در دست یک طبقه حاکم (یعنی بورژوازی وابسته) و بافت کمپرادوری اقتصاد جامعه، و شکل "طبقه کارگزار صنعتی و وجود "دولت" به مثابه ابزار طبقه حاکم و ارگانهای سرکوبه چون ارتش و تضعیف و اضمحلال فزاینده جهل و خرافه و ایمان الهی که همه نشانه های قرون معاصرند و علائم ظهور عصر جدید، (که سوسیالیسم را به عنوان پادزهر امپریالیسم در خود میپروراند و پرولتاریا را به عنوان پادزهر بورژوازی و علم را به عنوان پادزهر مذهب خرافه) هیچ وجه تشابهی با قرون وسطی ندارد، و در نتیجه رنسانس به عنوان راه حلی مؤثر کاربردی نخواهد داشت".

استدلال درست است و علائم ظهور عصر جدید، بی اغماض در برابر این همه پاسخ ما چیست؟

* * * *

غالباً با طرح این اصل "که" تحولات فرهنگی اعتقادی، معلول عوامل زیربنایی جامعه است و توافق بر سر آن، به این نتیجه میرسند که "چون جامعه ما از نظر زیربنای اجتماعی و اقتصادی مشخصات یک جامعه تحت سلطه امپریالیسم را داراست، پس، از نظر روبنای فرهنگی تاریخی نیز دارای چنین شاخصه هایی است" و بنابراین وظیفه روشنفکر عصر امپریالیسم در جامعه ما همان وظیفه ای است که روشنفکران قرن ۱۹-۲۰ اروپائی در رویارویی با رشد سلطه رزافزون و فراگیر بورژوازی عهددار شدند. بی آنکه بخواهیم، اصولیست چنین "اصلی" را زیر سوال برده و نفی نمائیم، اما چنین تمسکی را به قیاس ریاضی در حوزه علوم انسانی اجتماعی، مردود میدانیم. چه در علوم انسانی "نسبت مفاهیم اجتماعی" و اصل تعدد عوامل دخیل در تحلیل یک پدیده انسانی - اجتماعی، نقش شرایط، و ویژگیهای محیطی را در نسبی کردن و شاخصه بخشیدن به اصول، تعیین کنندگی میبخشد. روشنفکران به اعتقاد ما از این اصل که "جامعه ما از نظر زیربنای اجتماعی اقتصادی در عصر امپریالیسم به سر میبرد"، ما نمیتوانیم به این نتیجه برسیم که "پس" جامعه ما از نظر روبنای فرهنگی مذهبی نیز مشخصات یک جامعه عصر امپریالیسم را داراست و بنابراین نقش و وظیفه ما همانست که روشنفکران اروپائی قرن ۱۹-۲۰ عهددار شدند. استدلال ما بر رد چنین نتیجه گیری، بر این مبتنی است که میان زیربنا و روبنای جامعه ما، شرایط

نمونه‌های خاصی هستند که در تحلیل واقعیت - های اجتماعی باید بدان توجه نمود .
از این استدلال، همانطور که گفتیم: نمی‌خواهیم نتیجه بگیریم که عصر "امپریالیزم" در جامعه ما، وجود خارجی ندارد، بورژوازی کمپرادور مطرح نیست" این‌فنی واقعیت است، حال این که اساسا سخن ما بر سر تعیین عیار واقعیت‌است نوع واقعیت؛ ویژگی ممتاز آن. واقعیت ثابت است اما

جامعه‌ما از نظر سیاسی - اجتماعی همان ویژگی‌های یک جامعه اسلامی متعلق به "جهان گرسنه" و تحت سلطه امپریالیزم را دارد. اما نقش و وظیفه خاص روشنفکر را همان‌نقشی میدانیم که روشنفکر "عصر روشنائی" در برابر "شرایط ذهنی" اجتماع اش ایفا نمود. یعنی ۱- اصلاح مذهبی (پروتستانتیسم در اسلام) از طریق نفی طبقه واسط میان خدا و خلق؛ روحانیت ۲- بازگشت به اصول و منابع اولیه ۳- بکارگیری اصل انقلاب مدام در ایدئولوژی (اجتهاد) مبتنی بر علم و زمان

در جغرافیایی به نسبت شرایط، فرهنگ خارجی خود، ویژگی‌های ممتازی را میبپذیرد. از اینرو، در عین حال که در ارزیابی خویش از شرایط تاریخی جامعه‌مان را شمولیت نداده و معتقدیم که این ویژگی‌های مشترک میان جوامع قرون وسطایی در آستانه رنسانس و جامعه ما، صرفا در حوزه مذهبی - فرهنگی است که بارز میشود، از نظر اجتماعی- سیاسی همان ویژگی‌های یک جامعه اسلامی متعلق به "جهان گرسنه" و تحت سلطه امپریالیزم را دارد، اما نقش و وظیفه خاص روشنفکر را همان نقشی میدانیم که روشنفکر "عصر روشنائی" در برابر "شرایط ذهنی" اجتماع اش ایفا نمود. یعنی ۱- اصلاح مذهبی (پروتستانتیسم در اسلام) از طریق نفی طبقه واسط میان خدا و خلق؛ روحانیت ۲- بازگشت به اصول و منابع اولیه ۳- بکارگیری اصل انقلاب مدام در ایدئولوژی (اجتهاد) مبتنی بر علم و زمان □

فعال کردن برنامه ریزی کارهای آنرا به پیش‌بریه واز هر وسیله صحیحی در این مسیر کمک بگیرید و هیچ فرصتی را در این رابطه از دست ندهید مبارزه بر علیه جنگ، یک وظیفه مقدس است که هر نوع تعلل و سستی در آن درآینده باید با سختی و تلاش بیشتری جبران شود. بکوشید تا در سایه نهضت ضد جنگ، تدارک لازم در جهت مبارزه سازمان یافته بر علیه رژیم فراهم گردد و با سرنگونی آن، بهاری از صلح و آزادی برای خلق به ارمغان آورده شود و صبح پیروزی و عدالت از راه برسد. "چنین باد"

اعماق توده نفوذ کرده و به قول معلم "متن مردم را به صورت لایه‌های رسوبی ضخیم سیل ساخته، سفت و نفوذناپذیر و منجمد، تا هیچ آبی از آن رسوخ نکند و هیچ بذری را برنگیرد و کشت در آن، بذر در بادافشان است" و برغم ۷ سال تجربه ولایتش و حکومت جنگ و کشتار و بیرانگی و سلطه اختناق و اعدام و شکنجه، که به نام دین و بدست متولیان رسمی اش اعمال میشود، هنوز "عطر رشد و تقویت راست روحانی" گوشزد می‌شود و هیاهوی مراجع تقلید فوق ارتجاعی انعکاس پیدا میکند.

جامعه‌ای که در آن اسلام فقه‌تی و تشیع تقلید، نه حاکم بر مردم، تحمیل شده از جانب رژیم غاصبه که فرهنگ کهنسال و ریشه‌داری است در مردم، مستحکم و بی‌رقیبی درخور... و جامعه‌ای که در آن ولایت فقیه جان‌نشین ریاست‌جمهور میشود و روحانیت جایگزین هیئت حاکم (چرا که دستگاه دولتی و هیئت سیاسی خود، سایه‌هایی از حضور مسلط و فراگیر روحانیتند، چه اساسا دولت خود مستقلا سلطه‌ای ندارد)

در جامعه‌ای که به یمن تلفیق دو دستگاه دولتی و دینی و کوشش برای انطباق زیربنای کمپرادوری اقتصاد جامعه با رویای مذهبی و فرهنگی مردم، و در نتیجه تلاش بر حفظ و ایجاد تعادل قوا، میان ۱- افسار خورده بورژوازی شهر و روستا ۲- بازار سنتی وابسته به روحانیت ۳- بورژوازی وابسته و اینچنین تضمین بقاء و تثبیت هژمونیک خویش (که در نتیجه چنین ترکیبی، در بطن خود تناقضی میپوروراند که تنها در شرایط بحران و عدم ثبات پابرجاست و باقی) و بنا بر این چگونه میتوان از سلطه یک طبقه بر جامعه سخن گفت و دولت را نماینده و ابزار یک طبقه معرفی کرد، حال اینکه اساسا روحانیت حاکم ناگزیر از این انطباق است (میان خاستگاه و تکیه‌گاه طبقاتی اش (بازار) و جهتگیری طبقاتی خود (بورژوازی وابسته) و مجبور به این اعتلا

اینجاست که میبینیم، عصر امپریالیزم سیادت سرمایه انحصاری، حاکمیت بورژوازی، دولت ابزار طبقه حاکم، لائیسزم و... همه وقتی جای (مکان) و گاه (زمان) اش روشن میشود که اساسا شکل دیگری به خود میگیرد و تحلیل خاص دیگری را میطلبد (۱) اصل نسیت و مفاهیم اجتماعی را باید در نظر گرفت، یک واقعیت اجتماعی، به نسبت زمان و مکانش نوع دیگری می‌یابد و ویژگی‌های خاص دیگری را دارا میشود، آنچه که مارکس در تحلیل اشکال تولید و روابط تولیدی، یا در تحلیل دولت، در نظر میگیرد، آنجاکه از "شیوه تولید آسیائی" سخن میگوید، یا "استداد شرقی" و یا "دولت استثنائی"، همه

پیروز باد مبارزات خدا امپریالیستی خلقهای

مستضعف جهان

(به نقل از خروش موحسد)

فعال کردن سیاست خارجی و تجدید دامنه عملیات نظامی

گامهای پویشی جدید رژیم برای خروج از بن بست جنگی

نمود و عملیات و حملات خویش را تا مدتی به تعویق انداخت. ضعف در قدرت نظامی عدم توانایی در جهت بسیج نیرو و اعزام انسان به جبهه‌ها و از همه مهمتر هراس از شکست در حملات... باعث آن شد تا رژیم در دوباره از سرگرفتن حملات تعلل و سستی به خرج دهد.

رژیم حاکم بر عراق نیز از این شک و دودلی و بن بست جنگی رژیم استفاده کرد و با مبادرت ورزیدن به اقداماتی ابتکاری نظیر جمله به کشتیهای نفتی و تجاری ایران، نا آرام کردن خلیج فارس به منظور بین‌المللی کردن جنگ عراق و ایران و کشاندن سایر کشورها به حیطه آن، از سرگرفتن حملات موشکی به شهرهای مرزی و جمله وسیع تبلیغاتی در سطح رسانه‌ها گروهی و جنگ طلب نشان دادن ایران، سعی نمود تا رژیم ارتجاع را به پذیرفتن هیئت‌های حسن نیت بین‌المللی صلح و نشستن بر سر میز مذاکره وارد نماید. رژیم نیز به ادامه دادن به سیاستهای جنگ افروزانهاش اصرار ورزید و برای دفع اقدامات و مانورهای رژیم فاشیستی حاکم بر عراق، عملیات خیررابه راه انداخت و آن را در بوق و کرناهای تبلیغاتی خویش ساز کرد. از یکسال و نیم پیش نیز، دامنه جنگ به سایر شهرهای هر دو کشور رسید و با تمامی نتایج زیانبار اقتصادی-اجتماعی-سیاسی و فرهنگی ادامه یافته است.

پوشش جنگ برای توجیه تمامی ناکامیها و سرکوبهای داخلی و خروارها شعار بزدون عمل و هراس از عواقب عمل ننمودن به این شعارهای جنگی رژیم را از خاتمه دادن جنگ به طریق انجام مذاکره با رژیم عراق باز میدارد و رژیم با وجود آنکه در بن بست شعارها و عملیات جنگی خویش دست و پا میزند برای اینکه مجبور نباشد بر روی میز مذاکره یا صدام بنشیند و یا صلح را بپذیرد همچنان به سیاستهای جنگ افروزانهاش ادامه میدهد. بد نیست زبان جال رژیم در این رابطه را از زبان خود سردمداران و دست اندرکاران تدارک سیاستهای جنگ افروزشه بشنویم:

"رفسنجانی (۶۴/۳/۱۱)" هرگونه سازش، امنیت سازندگی و آینده کشور را به مخاطره خواهد انداخت و محال است آدمی که یک مقدار اطلاعات داشته باشد عقیده پیدا کند که پایان جنگ به صورت صلح ناکام به مصلحت جمهوری باشد."

اما رژیم در این اواخر، بدنبال نافرمان ماندن و بن بست در سیاست حملات تنها جمعی بزرگ به خاک عراق، اقدامات و سیاستهای جدیدتری را در پیش گرفته و در رابطه با سیاست نظامی خویش تغییراتی بوجود آورده است. این اقدامات و سیاستهای جدید عبارت است از: فعال کردن سیاست خارجی در قبال جنگ و محدود و کم دامنه نمودن عملیات و حملات نظامی.

پس از گذشت سه سال از فتح خرمشهر و شش سال از جنگ خانمانسوز، تحقق کلیه شعارها، درخواستها و شروط ۴ گانه جنگی رژیم با شکست مواجه شده و عقیم مانده است رژیم ارتجاعی نه تنها توانایی آن را پیدا نکرده، تا به شعارهای پرطمطراق خویش مبتنی بر سرنگون ساختن رژیم حاکم بر عراق، فتح کربلا و استقرار حکومت اسلامی (در آن صورت حقیقت بدهد و زائرین کربلا را به زیارت مقبره امام حسن بفرستد، بلکه حتی این قدرت را نیز نیافته که تا صدام و رژیم وی را به قول خودش، محاکمه- محازات یا وادار به پرداخت غرامت بنماید.

و تازه به جای این همت، با دامن زدن به آتش جنگ خانمانسوز و نکبت بار مرزی و تداوم بخشیدن به سیاستهای جنگ افروزان، انبوهی از کشته‌های پشته شده و نیز میزان قابل توجهی خسارت خرابی و ویرانی و صدمات مادی و انسانی و... برای هر دو کشور با خود به ارمغان آورده و نیز در بن بست جنگی ناشی از سیاستهای غوطه ور گردیده است. رژیم پس از خاتمه یافتن عملیات تهاجمی و الفجر به خاک عراق، یعنی از دو سال و نیم پیش تا کنون، دیگر در هیچ یک از عملیاتهای گسترده نظامی خویش موفقیت چشمگیری نداشته و در اکثر قریب به اتفاق این عملیاتها که به منظور تهاجم به خاک عراق به اجبار برای خروج از رکود به انجام رسانیده با شکست مواجه شده و به عقب نشینی وادار گردیده است. چرا که رژیم عراق با در دست گرفتن ابتکار عمل تمامی عملیاتهای موسوم به الفجر را که به منظور تهاجم به خاک عراق برنامه ریزی میشد، با میدانی از زمین، سیمهای خاردار، باتلاق و... رفع نمود و قوای تمامی رژیم را وادار به عقب نشینی از مناطقی تسخیر شده میکرد، از آن به بعد نیز تا مدتی، رکود و رخوتی سنگین برجبه‌های جنگ مستولی شد. باتکها و ضدحمله‌های عراق از یکسو و اوضاع و شرایط رژیم و جامعه در سال ۶۲ از سوی دیگر، ایران را از تداوم بخشیدن و مبدل کردن عملیات تهاجمی ظفرمندان ۱ و الفجر به خاک عراق منصرف نمود. حملاتی که تا آن زمان تحت عناوین و الفجر، ۳، ۲ و... به خاک ایران صورت پذیرفته بود نتایجی در بر نداشت آمار و ارقام مربوط به کشته‌های این قبیل تهاجمات و حملات خشم و ناراضی‌های عمومی مردم را برانگیخته بود و از همه مهمتر رژیم بلحاظ امروز اعتراضات و هیجانات مردمی، عدم توان نظامی، عدم قدرت در بسیج نیرو به جبهه‌ها و... به هیچ وجه قادر نبود دامنه این قبیل تهاجمات و حملات به خاک عراق را ادامه دهد و لذا با بهانه‌های مختلف و با توسل به انواع حیل‌های تزویری- تبلیغی توجه مردم را از شکستها و عقب نشینی‌های نظامی دور

شدید ضد کمونیستی و نیز بدبینی شدید به بلوک کمونیست را که همواره سدی عمده در جهت برقراری روابط عادی با شوروی بوده را فعلا کنار بگذارند و از مجرا و کانال دیدار، مذاکره و... شوروی را متقاعد کنند تا وسایل، ابزار و ادوات نظامی به عراق نفروشد! از همین رو در طی یکسال گذشته هیئتهای اقتصادی - سیاسی میان دو کشور شوروی و ایران در رفت و آمدند و روابط و مذاکراتی در بین آنان صورت پذیرفته است. - برداشتن گامهایی در مسیر بهبودی روابط با فرانسه. مسدود کردن پرداخت مقداری از دلارهای رژیم ایران و حضور و وجود

مخالفین و مبارزین ضد ارتجاع در کشور فرانسه، باعث شد تا در طی چند سال اخیر روابط موجود بین دو کشور فرانسه و ایران بسیار تیره و تاریک شود، از سویی سیاستهای خاورمیانه فرانسه و نیز تیرگی روابط این کشور با ایران موجب آن شد که قاعدتا روابط میان دو رژیم فرانسه و عراق گرم باشد و رژیم عراق بخش دیگری از تدارکات نظامی خویش را از طریق مراوده با فرانسه خریداری نماید و با تزریق ابزار و آلات نظامی می کشورهای غربی به تقویت بنیه نظامی خویش بپردازد. ماجرای اجاره دادن هواپیما - های سوپر اتاندارد که جار و جنجالی تبلیغاتی زیادی بر سر آن بر راه افتاد نمونه ای از آن است و از آنجا که این روابط یک جانبه میان فرانسه و عراق به نفع رژیم ارتجاع نبوده و اساسا برای وی قابل تحمل نمیشد در مسیر بهبود بخشیدن به روابط میان ایران و فرانسه گامهایی به جلو برداشته شده است و کاردارهای سفارتخانه های حاضر در هر دو کشور به بهانه مذاکره بر روی بازپرداخت وام یک میلیارد دلاری از فرانسه که توقیف شده، با مقامهای مملکتی دو کشور دیدارها و مذاکراتی انجام داده اند. "کاردار سفارت ایران در فرانسه" با وزیر خارجه فرانسه رولان دوما، پیرامون عادی شدن روابط بین دو کشور و اختلافات موجود بر سر راه این امر از جمله مسئله بازپرداخت بدهی یک میلیارد دلاری فرانسه به ایران، موضع فرانسه در قبال جنگ و حضور مخالفین رژیم در فرانسه، بحث و گفتگو کرده است و متقابلا کاردار سفارت فرانسه در ایران با رفسنجانی پیرامون تمایل به بهبود روابط و ادامه مذاکرات دو کشور اظهار امیدواری کرده است و سردمداران ارتجاع نیز در این رابطه چراغ سبزهایی نشان داده اند.

* - ایجاد گسترش روابط با کشورهای "حسوزه همکاری خلیج فارس": از دیگر تلاشهای دیپلماتیک رژیم آنست که به ایجاد و گسترش روابط با کشورهای شورای همکاری خلیج یعنی "عربستان سعودی"، "کویت"، "امارات متحده عربی"، "بحرین"، "قطر" و "عمان" بپردازد. چرا که رژیم عراق بنا استفاده از موقعیت نژادی و قومی و یابسه هراس واداشتن این کشورها از سیاستهای سلطه گرانه رژیم ارتجاع توانسته کمکهای نظامی

با وجود آنکه هر دو اقدام تدافعی و بی حاصل و پوشالی است و هیچ تاثیری در سرنوشت جنگ و حل بن بست ناشی از آن ندارد و صرفا "از روی ناچاری اتخاذ شده اند، لازم میباشد تا نگاهی به ماهیت و ابعاد هر دو اقدام بیندازیم:

فعال نمودن سیاست خارجی و دیپلماتیک به منظور گرفتن حامیان خارجی رژیم

عراق

رفسنجانی به مثابه یکی از اعضای شورای عالی دفاع و از جمله تصمیم گیرندگان اصلی پیرامون سیاست جنگی، در طی ماههای اخیر چندین بار به طور مستقیم و یا غیر مستقیم به این موضوع اشاره کرد، که رژیم قصد دارد حامیان خارجی رژیم عراق را از وی بگیرد تا با منزوی ساختن وی در سطح بین المللی، رژیم حاکم بر عراق را شکست دهد؟ و وی را وادار به پرداخت غرامت و یا سقوط بنماید! از همین رو فعالیت دیپلماتیک گسترده ای در سطح محافل بین المللی توسط رژیم برنامه ریزی شد. تا این سیاست ذهنی و خیالبافانه را به پیش ببرد.

در طی ماههای اخیر، دیدوبازدیدها، پیام ها، مسافرتها و مذاکرات عناصر رژیم در سطح محافل خارجی باز افزایش یافته و بطور مرتب مشاهده میشود که عناصر وابسته به وزارت خارجه و... در مسافرت تکاپو و جنب و جوش میباشند تا به گمان خویش همانگونه که در طی سالهای اخیر، با فعال نمودن سیاست خارجی و انعقاد قراردادهای اقتصادی - سیاسی با دول... وابسته به امپریالیسم حیات سیاسی رژیم را تضمین کردند، معضل و مشکل عمده داخلی رژیم یعنی جنگ و نحوه خاتمه دادن بدان را به شیوه های مطلوب و دلخواه حل کنند! و به اصطلاح خودشان با گرفتن حامیان خارجی و بین المللی رژیم عراق و خود فروشی خود به آنان بتضعیف نیروی نظامی و حمایتهای خارجی وی بپردازد و آن رژیم را از این طریق شکست دهند! عناصر دست اندرکار تا کنون گامهایی نیز در مسیر ارائه این سیاست برداشته و بنا دولی که آنان را حامیان عراق نام داده و معرفی مینمایند تماسهایی برقرار کرده اند. برخی از این گامها و اقدامات دیپلماتیکی:

به شرح زیر است:
- "عادی و گرم کردن روابط با شوروی": "شوروی" یکی از منابع تغذیه نظامی عبرت عراق است، رژیم عراق به لحاظ ساختار ارتش خویش که به سلاحها و وسایل نظامی شوروی متکی است، لاجرم درصد قابل توجهی از ابزار و آلات نظامی و ادوات جنگی خویش را از کشور شوروی خریداری مینماید. به همین دلیل نیز شوروی از جمله مهمترین دولی است که رژیم ارتجاع تمایل دارد، حمایت و خریدهای نظامی عراق از آن کشور را قطع نماید. مرتجعین برای نیل بدین منظور در طی یک سال گذشته به عادی و گرم کردن روابط با شوروی (البته در رده سیاسی) مبادرت ورزیده اند، یعنی با احتیاط تمام سعی کرده اند تا موانعی نظیر سیاست نه شرقی نه غربی! مسائلی مربوط به حزب توده بسعد

جبهه ها متحرک باشند... من در اینجا به جوانان و به رزمندگان تاکید میکنم که هرچه زودتر وارد میدان شوند چون مادر مرز هزارو دویست کیلومتری میدان جهاد همه جبهه ها را متحرک میکنیم و هر نیرویی که امروز وارد جبهه شود و یکی از واحد های خود را به مرز برساند، میدان جهاد است و این یار مثل گذشته نیست!

(۶۳/۴/۲۲)

رژیم ارتجاع تلاش میوزرد با انجام این حملات و تهاجمات کوچک غیر وسیع تحت عنوان "ظفر"، "قدس" و "انصار الله" که در محورها و با خطوط مرزی مختلف غرب و جنوب صورت پذیرفته، قوای نظامی و یا خاک عراق را مورد حمله و تهاجم قرار دهد و مجموعه این حملات کوچک، پراکنده و متفرق و غیر وسیع نظامی را یک حمله و عملیات بزرگ جلوه دهد، چرا که رژیم از روی اجبار و ناچاری وادار به عقب نشینی از سیاست جنگی تهاجم و حملات بزرگ نهایی گردیده و به دلایل زیرنمی تواند به انجام حملات و تهاجمات وسیع بزرگ و گسترده مبادرت ورزد.

* تا کنون حملات و عملیات نظامی بزرگ گسترده بلحاظ ضعف در قوای نظامی و بویژه ضعف در نیروی هوایی، موفقیت بسازده و یا پیروزی استراتژیکی نظامی برای رژیم، در غالب این حملات ضمن دادن تلفات بسیار انسانی - نظامی وادار به پست دادن و عقب نشینی از مواضع تسخیر شده گذشته گردیده است. پس ادامه چنین سیاستی برای رژیم به هیچ وجه منطقی و مقرون به صرفه نیست.

* در ثانی برای جلوگیری از نارضایتی عمومی مردم و جلوگیری از اوج یافتن جنبش هم که شده، لزومی ندارد تا رژیم در چنین مقطعی به انجام حملات بزرگ بیشتر دست یازد و با آمار و ارقامی که از کشته ها، صدمات و خسارت های وارده بوجود می آید انگیزه نارضایتی در مردم رافراهم آورد تا جنبش و نیروهای موجود در آن از شرایط و جو اجتماعی ملت هم و به هيجان آمده استفاده نمایند و به سهولت به مبارزه بر علیه جنگ و تبلیغ در جهت صلح بپردازند و از این مجرا امکان رشد و اوج یابی جنبش فراهم آورده شود. رژیم برای فائق آمدن بر این جو، از انجام عملیات وسیع و بزرگ نظامی صرفه نظر کرده، تنها به حملات و تهاجمات کوچک، پراکنده، غیر وسیع و فاقد ارزش استراتژیکی - نظامی - سیاسی کفایت نموده و قانع شده است.

* همچنین دیگر رویای سرازیر شدن سیل وار نیروها به جبهه های جنگ مرزی به پایان رسیده و در واقعیت موجود، رژیم به جز با دانه پاشی قادر نیست نیروها را به جبهه ها گسیل دارد. بسیجی که برای رژیم نه آسان و نه ارزان تمام میشود و تازه پیامد شکست در عملیات، اثری نامطلوب بر عناصر موجود در جبهه ها میگذارد که برای جبران آن باید سیاستها و اقدامات

بقیه در صفحه ۱۸

- اقتصادی آنان را به منظور پیش برد اهداف جنگی خویش به کشور سرازیر نماید. مرتجعین برای جلوگیری از ارسال کمک های نظامی - اقتصادی این رژیمها به عراق و نیز به منظور متقاعد ساختن ذهنیت این کشورها نسبت به سیاستهاشان پرداخته اند تا مواضع ضدی این کشورها با ایران را بویژه در در رابطه با جنگ تعدیل نمایند و آن را تخفیف دهند. البته رژیم نیز در زمینه کناره آمدن با سلسله سگهای زنجیری وابسته به امپریا - لیسم توفیقها نمی یافته که متقابلا باعث برانگیخته شدن خشم رژیم حاکم بر عراق و ایجاد اخلال و خرابکاری در روابط و مذاکرات از سوی وی گردیده است.

روابط، دیدارها و مذاکراتی به منظور ایجاد و گسترش روابط با کشورهای شورای همکاری خلیج فارس انجام میابد که میتوان بعنوان نمونه از رفت و آمدهای هیئت های سیاسی - اقتصادی در بین کشورهای مذکور و ایران بویژه مسافرت وزیر خارجه عربستان سعودی در "۲۸ اردیبهشت" سال جاری، پیام ولایتی به "راشد عبدالله" وزیر خارجه امارات متحده عربی به منظور تاکید به دوستی و علابق محکم موجود میان دو کشور، پیام امیر بحرین خطاب به خامنه ای که در آن ابراز شده با دولت جمهوری هم نظر و هم عقیده میباشد و... (که تنها در سه ماه اخیر به وقوع پیوسته) یاد کرد. روابطی که ماههاست زمینه های برقراری، ایجاد و گسترش آن برنامهریزی میشود.

* - برقراری روابط اقتصادی - سیاسی با یوگسلاوی: همچنین عناصر وابسته به وزارت خارجه از آنجایی که میان دو کشور یوگسلاوی و عراق قراردادهای اقتصادی برقرار است، مبادرت به برقراری روابط اقتصادی - سیاسی با کشور یوگسلاوی نمود است تا ضمن انجام مبادلات بازرگانی و دانه پاشی از حمایتها و حداقل روابط سیاسی و اقتصادی این کشور به عراق جلوگیری به عمل آورند.

مجدود کردن دامنه عملیات نظامی و عقب نشینی از سیاست جنگی "ضربه نهائی"

همانطور که در بالا نیز بدان اشاره رفت حملات تهاجمی وسیع و گسترده بمنظور تسخیر بخشها و یا قسمت هایی از قلمرو حکومتی و خاک عراق انجام پذیر یافت و، بازده و کارایی ثمر بخشی با خود به همراه نیاورد و لاجرم رژیم با کنار گذاشتن این سیاست از سیاست جنگی "ضربه نهایی و غافلگیر کننده" به رژیم عراق، فرسنگها عقب نشینی کرد که این نیز نمود دیگری از بن بست جنگی برای رژیم ارتجاع میباشد و به جای آن اقدام به محدود کردن دامنه عملیات و حملات نظامی کرده است. فرسنگانی در خصوص عقب نشینی و اتخاذ شیوه جدید نظامی میگوید: "الآن تصمیم گرفته شد که قبل از رسیدن به عملیات نهائی امان به صدام ندهیم، تشخیص دادیم صبر کردیم برای رسیدن زمان عملیات نهائی (که وی همواره بدان وعده میداد) مصلحت نیست

ستون ویژه
پیروان راه
معلم

شورای متحد پیوندگان

راه شریعتی : سر

نمندی برای ایجاد

حزبی تمام براساس

تشیع سرخ علوی

از: علی فیاض

اینک پس از گذشت هفت سال، شهادت معلم شریعتی وارد هشتمین سال خود میشود. و همزمان با آن جنبش پیروان راه وی نیز وارد فاز جدیدی از پروسه مبارزاتی خود میگردد. خط شریعتی که بدلیل پویا تکی و خلوص ویژه آن، علاوه بر تاثیر تعیین کننده ای که بر انقلاب بیست و دوم بهمین داشت پس از انقلاب نیز، مسیر طبیعی و تکاملی خود را طی کرده و در قالب تشکلات و گروههای مختلفی به متن توده ها راه مییابد.

چنانکه بر همگان آشکار است براساس متدی برای شناخت اسلام که شریعتی طرح کرد، بدلیل اصولی و منطقی بودن آن چندین تشکل و گروه را در جامعه بوجود آورد. این جریانات عبارت بودند از: "آرمان مستضعفین"، "کانون ابلاغ اندیشه های شریعتی"، "فرقان"، "سازمان توحیدی حدید"، "سازمان مهاجرین خلق ایران"، "پیشتاژان حکومت اسلامی" و اخیرا نیز (پس از سر فصل ۳۰ خرداد)، "موحدین انقلابی"، "دانشجویان ارشاد" و "گروه توحیدی شمع".

کثرت تشکلات فوق که بر اساس اندیشه شریعتی ایجاد شد، خود نشانگر تاثیر فزاینده ای است که متدی در متن مردم و به خصوص جوانانی که دارای پتانسیل انقلابی هستند، دارد. لازم به یادآوریست که شریعتی تنها شخصیت ایدئولوگ و انقلابی به حساب می آید (در ایران) که از طرز تفکری چندین تشکلات و گروه سازمان یافته در این فاصله کم بوجود می آید و پرچم سرخی را که با دست خویش برافراشته دستهای بیشماری اکنون برمی افرازند و این خود نیز نشانگر عمق تاثیر اندیشه شریعتی در نسل جوان و نهایتا مردم ایران است.

همینطور که ذکر شد، کثرت و تعدد دسته بندیهای پیرو خط شریعتی، نشانگر گستردگی و کارآیی بالای این نوع تفکر است، اما در عین حال نباید فراموش کرد که خود شریعتی بیش از همه از پراکندگی و تشتت بیزار بود و نسبت به وحدت و اتحاد میان حتی نیروهای بیگانه از هم، تلاشی چشمگیر داشت. بنابراین میباید یکی از اصولی که بیش از همه باید بر آن تکیه کرد، همین اصل باشد. بخصوص که مادر جهانی زندگی میکنیم با پیچیدگیها و پیشرفتهای تکنیکی خاص.

پیچیدگی و سازمانیافتگی نهادها، امپریالیسم، پیچیدگی اطلاعاتی سیستمها و رژیمهای ضد خلقی و روابط همه جانبه وارگانیک دولتهای وابسته با جهانخواران، روابط همه جانبه و ارگانیک پیوسته و متجددانه نیروهای انقلابی را نیازمند است. یعنی به همان میزانی که جریانات ضد خلقی

روابطی منظم و همه جانبه با امپریالیسم جهانی دارند، سازمانها و جریانات انقلابی نیز میبایست چندین برابر (به خصوص با تکیه بر نیروی بیکران خلقها) روابط اصولی و انقلابی خود را مستحکمتر سازند. خط فکری معلم شریعتی (که هشتمین سال شهادتش را سپری میکنیم) در طول این چند سال از فاصله بیست و دوم بهمین تا کنون تجربیاتی کسب کرده است و تا بدانجا به بلوغ سیاسی (در پروسه پراتیک) رسیده است که عوامل و انگیزه های جدائی طلبانه را از سر راه برداشته و وارد مرحله های جبهه گونه شود. (۱)

به خصوص در زمانی که ضرورت انقلاب و منافع توده ها همبستگی و پیوند تمام نیروهای جبهه خلق را طلب میکند، نیاز به وحدت طبیعیتر، این نیروهای همفکر و همراه بسیار ضروری تر مینماید. بخصوص که خط فکری معلم شریعتی که اکنون دوران شکوفائی و پیشرفت فراگیر خود را طی میکند، بیش از اینها میبایست در جامعه مطرح میشد و با همبستگی خاص که در جبهه اسلام مترقی این متنساخت، غنی ترین و پویاترین با ایدئولوژیک را در بردارد.

به هرحال ایجاد "شورای متحد پیوندگان راه شریعتی" گامی است در جهت رفع نواقص، نکات ضعف و عواقب بازدارنده وحدت و یگانگی این نیروها، گامی که هرچند باید بیشتر از این زمان برداشته میشد و جای خود را در متن مبارزه های مردمی وتوده گیر مباحثه اما به هرحال این گام نیز، یک گام مهم به جلو محسوب میشود. سنتی نکوست فراراه تمامی پیروان تشیع سرخ علوی، گامی که افق جدیدی را در راه یگانگی و اتحاد مبارزاتی اعتقادی نیروهای پیرو خط معلم گشوده است امید است که "شورای متحد پیوندگان راه شریعتی" هرچه بیشتر از پیش به نزدیکی و اتحاد عمل پیروان راه معلم و بسا گستردگی هر چه تمامتر به تسریع انقلاب توده ها و رهائی خلقهای ایران از چنگ ارتجاع و امپریالیسم کمک نماید و با کمک خلق آگاه شده ایران، ارتجاع مذهبی را که پول دین میگیرند و برای دنیا کار میکنند و اکنون به نام دین و به نام حکومت الله توده ها را تازیانه شرع میزنند و کشتار جوانان انقلابی را اجرای قصاص و حکم جهاد و شکنجه های وحشیانه را "حد شرعی" و "تعزیر"، هرچه زودتر از سر راه تکامل بردارند.

به هرحال این شورا که فعلا سه جریان را در بر گرفته است، امیدمیرود که در آینده ای نه چندان دور، تمامی نیروهای پیرو خط معلم (اعم از تشکلات و افراد) را در برگیرد و جای حقیقی خود را در متن جامعه و انقلاب کنونی مردم ایران بازیابد.

"پیش به سوی جامعه ای مبتنی بر عرفان"، "برابری"، "و آزادی".

ستون ویژه پیروان راه معلم

کزارشی از محیط کار کارگران و زحمتکشان

از: "الف - ح"

خمینی گویا عمق تضاد مردم و بویژه زحمتکشان را، با خود و رژیمش، بخوبی دریافته است، از این رو است که زندانیان دیروز پوست را عوض نموده و وزیر کار میشود!

برای کنترل و سرکوب همه جانبه و مضاعف زحمتکشان و کارگران، نهادهای مختلفی به وجود می‌آیند، بخش کارگری سپاه، خانه کارگری، حزب، دفتر بسیج کارگران در وزارت کار، بسیج کارگری، دفتر مشاوره نخست وزیر در امور کارگری، انجمنهای اسلامی کارگری، امور حفاظت در وزارت به اصطلاح "امنیت و اطلاعات" و غیره از آن جمله است.

رژیم گامی از سرکوب عقب‌نشسته از دوشیدن و استثمار وحشیانه زحمتکشان و کارگران نیز دریغ نمی‌ورزد که این دو البته برای رژیم مکمل یکدیگرند.

از وضع و سطح حقوق و دستمزدها و نیز هزینه زندگی زحمتکشان که بگذریم در موارد دیگر نیز عماره کشی از زحمتکشان ادامه دارد. کاهش هزینه‌های مربوط به جدا قلم‌مور رفاهی کارگران از آن جمله است.

پرداخت مقطوع حق غذای کارگاهی به جای تهیه غذای روزانه و کاهش هزینه و امکانات ایمنی و سلامت محیط کار از آن جمله است.

سیاست پرداخت مقطوع حق غذای کارگاهی که به علت افزایش قیمت تمام شده نهادهای

و موارد از کار افتادگی جزئی و کلی افراد تحت پوشش تأمین اجتماعی (۱)

نوع	سال	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	رشد دوره ۶۲ - ۵۷
کلی		۲۳۶۰	۲۶۹۹	۲۸۸۵	۳۴۲۷	۳۶۰۷	۳۸۶۳	۶۴%
جزئی		۳۶۰۶	۴۰۵۹	۴۲۹۶	۶۴۵۵	۴۶۲۳	۴۹۷۸	۳۸%

بدین ترتیب گویا رژیم به اصطلاح سردمدارانش، در "جبهه تولید داخلی" نیز میخواهد بیشترین تلفات را داشته باشد. افزایش سردسام آور از کار افتادگی حین کار که در مجموع دو عنصر کلی و جزئی حدود ۵۰٪ افزایش را نشان میدهد، به خوبی بیانگر کاهش امکانات ایمنی و سلامت محیط کار و نیز آموزش کارگران

* موارد فوت و از کار افتادگی حین کار شاغلین صندوق بازنشستگی کشوری (۲)

نوع	سال	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	رشد دوره ۶۲ - ۵۷
فوت		۱۲۳	۱۸۸	۱۹۰	۴۰۷	۶۱۸	۶۴۰	۲۵%
از کار افتادگی		۲	۲	۰	۱	۲	۱۴	۶۰۰%

در مورد امکانات ایمنی و سلامت محیط کار نیز وضع چنین بود. دستگاههای اجرائی و کارگاهها، جهت رفع به اصطلاح "ضعف مالی و کاهش هزینه های اضافی" این گونه امکانات را نیز به غارت بردند. تاثیر کاهش امکانات ایمنی و سلامت محیط کار که در کاهش طول عمر کارگران و ایجاد عوارض دیگر در بلند مدت موثر است در کوتاه مدت نیز دارای تاثیرات عینی و روشنی بود، از کار افتادگی جزئی و کلی حین کار، نماد آمار آن است.

روزانه صورت گرفت. از این رو بود که با پرداخت نقدی حدود ۱۵۰ ریال در روز به کارگران رسمی، از تهیه غذایی که حدود ۳۰۰ ریال تمام میشود صرف نظر شود و لذا موسسات و کارگاهها از هزینه های به اصطلاح رفاهی کاسته تا شاید گوشه ای از زیانهای سنواتی را پرده پوشی نمایند. از طرف دیگر از به اصطلاح وقفه حین کار نیز جلوگیری نمایند. (۱) و برراندمان دستگاهها اجرائی و کارگاهها بیفزایند. با تمامی کوششی که رژیم از سال ۶۰ به بعد برای اجرای طرح فوق به عمل آورد، این طرح نتوانست کاملاً به اجرای در آید، در برخی از مناطق به علت قوت نیروهای رژیم و ضعف و ناپیوستگی کارگران و مهیا نبودن شرایط ذهنی کارگران، رژیم موفق به تحقق امور فوق شد و توانست با تطبیع و تهدید و سرکوب کارگران و زحمتکشان به آنها بقبولاند که دریافت ۱۵۰ ریال در روز بهتر از غذای روزانه است و زحمتکشان و کارگران میتوانند ۴۵۰۰ ریال را به خانواده خود اختصاص داده و با نان و پنیر و یا غذای سبکتری ا بکار نیز بپردازند.

علاوه بر آن به علت عدم تامین کافی غذایی و بهداشتی در محیط کار زندگی با انواع بیماریها دست به گریبان اند، ارقام ذیل نمود بخشی از این واقعیت است:

بیموارد بیماریهای واکیر دار بر حسب هزار نفر (۳)

۵۸	۵۹	۶۰	۶۱	۶۲	رشد دوره ۶۲ - ۵۸
۸۵۵	۱/۱۱۴	۱/۸۸۲	۲/۵۷۵	۲۷۶۷	%۲۳۳

بقیه از صفحه ۱۸

خویش را اعدام کرده و از این مجری‌مشار اختناق آمیزی را بر کشورش تحمیل کرده است، این رژیم با وجود آنکه کشورش از اقلیتهای نژادی قوی و نیز جناح سنی و که در اکثریت و اقلیت فراوانی به سر میبرند، تشکیل یافته و حدت و یکپارچگی در تمام کشور ایجاد کرده و خود به تنهایی آنرا اداره میکند. پس در مجموع برخوردار کردن رژیمش از ثباتهایی، تغییر کوتاه مدت این رژیم، واهی به نظر میرسد در مجموع مشخص است که فعالیت گسترده

در سطح محاقلی که عراق را تغذیه نظامی اقتصادی مینمایند و به اصطلاح رفسنجانی همان گرفتن حاکمان خارجی عراق از آن یک تفکر و ذهنیت و سیاست ذهنی و غیر واقعی است که از روی ناچاری و بیچارگی اتخاذ گردیده و از آن ذهنی تر تصور سقوط رژیم حاکم بر عراق از طریق قطع حمایتهای خارجی از این رژیم است.

به ویژه که جناح حاکم بر آمریکا را که جمهوریخواهان که بیشتر دارنده ماهیت نظامی گری و پنتاگونیستی میباشد تشکیل میدهند که از قضا ادامه ضد فرسایشی دو کشور (بدون چربیدن یکی بردیگری)، مورد

علاقه آنان و منبع تغذیه شان میباشد و لذا خود و سایر وابستگان را به سوی فروش چه بیشتر جنگ افزارها و تجهیزات نظامی سوق میدهند و از این مجرا انسان زرادخانه هایشان را تخلیه میسازند. حداقل امید رژیم به واداشتن پرداخت غرامت است که آن هم با توجه به روند مسائل، بعید و خیالی به نظر میرسد.

دوستان انقلابی و مبارزان

ششمین سال از عمر جنگ تحمیلی شروع میشود، شروعی که خود وظایف و مسئولیتهای ما را در مبارزه بر علیه جنگ با خود به یاد می‌آورد، جنگ و جنگ افروزی که افشا و مبارزه با آن، رشد و آگاهی سیاسی توده ها را بارور میسازد و آنان را برای گامها و مراحل بعدی آماده میکند تلاش در جهت مبارزه بر علیه جنگ و تبلیغ صلح یک وظیفه ملی-میهنی و مردمی است تلاشی که بخشی از فعالیت درجهت سرنگون کردن رژیم ارتجاع را تشکیل میدهد.

در محیط و یا محلی که واقع شده‌اید، مدرسه دانشگاه، کارخانه و اداره... هسته ها و محافل صلح طلب را بوجود آورید و با

بقیه در صفحه ۱۱

و البته موارد فوق در جالی است که زحمت کشان و کارگران و خانواده آنها از تاثیرات بلند مدت محیط کار در امان نمانده

بدین ترتیب رژیم خمینی ابعاد جدیدی در ضدیت با بشریت و بویژه زحمتکشان را فتوح مینماید، چرا که رژیم میخواهد فتح این موارد را چون سایر موارد، تنها به انحصار امام خیانت و جنایت در آورد.

پاورقیها

۱- بنظر پیروان این نظریه که از عقب مانده ترین روشهای دوران اولیه سرمایه داری مجسوب میشود، در هنگامیکه جریان کار به حداکثر کارآیی خود رسیده و واسطه روز در صورتیکه جریان کار متوقف شود، پریسود بعدی ادامه کار با راندمانی کمتر از پریسود پیشین به جریان افتاده و در نتیجه محصول نهایی در تولید پیوسته و بدون وقفه کمتر خواهد بود.

۲- سالنامه آماری سال ۶۳ ص ۱۸۶

۳- سالنامه آماری سال ۶۳ ص ۲۰۵

۴- سالنامه آماری سال ۶۳ ص ۱۳۹



پاورقیهای مقاله شورای متخدیوبینندگان... از صفحه ۱۵

۱- البته لازم به تذکر است که تعدد و کثرت این تشکلات خود نشانگر این اصل است که انسانی که در ایدئولوژی اصیل اسلامی (که دکتر شریعتی ارائه میدهد) پرورش می‌یابد انسانی است خودآگاه، ماجب نظر و متفکر که علاوه بر پذیرش متدیک اندیشه شریعتی خود نیز به تعکر، تجزیه و تجلیل و طراحی میپردازد و بنابراین، چنین انسانی به دلیل اینکه "ایمان نیست و برعکس انسانی "یویا" و روبه رشد است، در قالبهای تنگ نسیماند و در تلاش خروج از چهار زندان: "طبیعت"، "جامعه"، "تاریخ" و خویشتن به تلاش و مبارزه دست می‌یازد و در نتیجه به اجتهادی انقلابی و توحیدی مسلح میشود و از نعمت "رهبر داشتن" و "مرید شدن" محروم و بدور میماند و "خود" میشود و "خود" شانس کسی شدن را خواهد داشت □

بررسی بر روی هر دو اقدام جدید جنگی رژیم، این نکته را به روشنی بر ملامت سازد که

هر دو سیاست نوین محکوم به شکست است چرا که انجام حملات، تجاوزات و یا پاکسازیهای کوچک، پراکنده و غیر وسیع، هیچ نتیجه استراتژیک - نظامی و یا سیاسی با خود به همراه نخواهد داشت و به هم دوختن حملات و تهاجمات کوچک، نیز، هیچ مشکلی و مسئله‌ای را برای رژیم حل نخواهد کرد.

ارتجاع با وجود تمامی اقدامات تهاجمی و مذاکرات دیپلماتیکی که در سطح محافل - نظامی انجام میدهد، باز این قدرت را نخواهد داشت تا آن کشورها را به منظور مطلق از ادامه حمایت‌های نظامی اقتصادی - شان به رژیم عراق بازدارد. البته رژیم میتواند با خود فروشی و تشدید وابستگی و ایجاد سها، روابط خود را با آنها حسنه کند و نیز مجرای برای خریداری تجهیزات نظامی برای خودش باز کند، ولی نمیتواند آنان را از کمک و حمایت از صدام بازدارد و یا به سقوط او راضی کند. تازه بر فرض محال رژیم این امکان توانایی را کسب نماید که تمامی حامیان خارجی عراق را از او بگیرد، بعد چی؟ البته رژیم برای این پرسش، پاسخ دارد، سقوط صدام و استقرار "مجلس اعلاى اسلامى" دست پرورده خود مرتجعین در عراق!

تدام رژیم، دولت و ... حامی رژیم عراق است؟ مجلس اعلاى اسلامى را با آن ماهیت ارتجاعی و دست‌نشاندهی بپذیرد و از این مهمتر باید دید که آیا رژیم حاکم بر عراق قابل تغییر به نظر میرسد؟ بالاخره باید شرایط درونی برای سقوط و واژگونی رژیم حاکم بر عراق وجود داشته باشد. آنچنانکه از بررسی شرایط معلوم میشود اساساً تغییر رژیم عراق تا مدتی امری بعید و دور از ذهن بعید به نظر میرسد رژیم حاکم بر عراق با دیکتاتوری و استبدادی مشابه ارتجاع نه تنها نیروها و گروههایی که برای رژیم خطر جانی محسوب میشوند، بلکه حتی مخالفین عادی

بقیه در صفحه ۱۷

مات دیگری را در پیش بگیرد و حال آنکه محدود کردن حیطه عملیات و تجاوزات - نه به تسبیح چنین نیروی گسترده‌ای نیازمند است و نه پیامدهای بعدی ناشی از آن را به رژیم تحمیل مینماید و لذا رژیم میتواند با استفاده از سربازان، عناصر وابسته به بازوی نظامی، ارتشیان، ... مسئله تدارک و نیروی و نفرات جنگ را با دغدغه‌های کمتر و پیامدهای کنترل شده تر، حل نماید (این حرکت جدید در پس از جنگ شهرها و به عنوان پاسخی دلخوشکننده و عاجزانه به حملات نظامی آغاز شد).

* با توجه به ساختار نابسامان اقتصادی رژیم، کسری های کلان بودجه، انجام هر حمله بزرگ و نیز تخریبها، خسارتهای وارده و ... سایر مسائل ناشی از آن، رقم نجومی از بودجه جنگی را بدون آنکه نتیجه و یا ثمری برای رژیم در برداشته باشد به خود اختصاص میدهد، پس از عملیات بسدون جاصل و پیروزی، تازه تعمیر و به راه اندازی ابزار و ادوات نظامی، تعمیر جاده‌ها، ترسیم صدمات و ... دهها کار دیگر شروع میشود، کاستن از سطح وسیع عملیات میتواند آمار و ارقام نجومی مربوط به پیامدهای ناشی از مخارج آنها کاهش دهد و بودجه آن در سایر بخشهای اقتصادی که رژیم لازم میدانند مورد استفاده قرار گیرد. * و بالاخره محدود کردن دامنه حملات و تجاوزات رژیم و فشار بین المللی بر روی رژیم و نیز جار و جنجال تبلیغاتی بر علیه حملات و تجاوزات وی را تا حدود زیادی تخفیف میدهد و در واقع رژیم بازی موش و گربه انجام میدهد! با این حملات و تجاوزات کوچک و پراکنده و غیر وسیع در عین حال که همواره حربه تبلیغاتی برای رژیم را فراهم می آورد، از آنجاکه بلحاظ همین خصوصیات فوق الذکر در سطح محافل جهانی و بین المللی با زنگار و انعکاس گسترده‌ای نمی یابد، به ظاهر بر روی هویت متجاوز جنگ افروز رژیم پرده‌ای از تزویر و دو رویی می آویزد و مرتجعین از پس آن میتوانند به مظلوم نمایی بپردازند. * نگاهی به نتایج و پیامدهای حاصل از اقدامات جدید جنگی

آدرس برای مکاتبه و آبونمان	برای کمک مالی و وجوه نشریات
● khandagh	حساب بانکی
● B.P 135	● B.N.P 30004
● 94 004	● khandagh
● creteil-cedex	● N° 01256551 شماره
● France	● Code: 00892 کتبه
***	● Ag. Kleber
ERCHAD'S	● Paris - France
STUDENTS	